



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

قلم ، کلبه فرانتی مصریه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انصافات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۴۴۲

شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۶۲

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس عصر روز ۲ شنبه بیست و نهم دیماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱) قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
 - ۲) بقیه مذاکره در لایحه اختیارات آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر و تصویب آن
 - ۳) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس ساعت شش و بیست دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- قرائت غائبین جلسه قبل

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

حائری زاده - جلسه فوق العاده که بود حاضر ندارد .

نایب رئیس - بخوانید

(شرح زیر توسط آقای ناظرزاده (منشی) قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : مشار - احمد امیری .

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر علی - صرافزاده - راشد - عبدالرحمن امیری - اورنگ - دکتر ملک

زودرفته با اجازه - آقای مکی

غائبین در رأی - آقایان : میلانی

کالی - حائری زاده - حمیدیه - دکتر علی - مهدی

نایب رئیس - صورت مجلس حاضر در آن که برای اظهار نظر آقایان نمایندگان اعلام شود آقای حائری زاده فرمایشی داشته اند؟

(حائری زاده - بلی آقا) بفرمائید

حائری زاده - جلسات فوق العاده

غیر از جلسات رسمی است اصلا حاضر و غایب رسمی تعیینی ندارد جلسات رسمی جلسه ای است که قبلا رئیس تعیین میکنند و رئیس مجلس روز سه شنبه تعیین کرده بود فوق - العاده جلسه ای است که هر کس آمد و هر کس نیامدهم نیامده حالا صورت غائبین خواندن اصولا معنی ندارد

نایب رئیس - اجازه بفرمائید طبق

ماده صریح نظامنامه گفته میشود اگر جلسه علنی در وسط کار بعنوان تنفس تعطیل شود مدت تعطیل نباید از نیم ساعت تجاوز کند و رئیس مجلس مکلف است جلسه را مجدداً تشکیل دهد و غائبین مشمول جریمه مقرر خواهند بود باین دلیل بهیچوجه در آئین نامه برای تنفس و تعطیل جلسه ای در چند ساعت وجود ندارد این است که جلسه صبح یک جلسه مجلس بود و یک جلسه عصر هم یک جلسه منتقل آقای دکتر شایگان بفرمائید

۲- بقیه مذاکره در لایحه اختیارات آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر و تصویب آن

دکتر شایگان - مدین که صبح در متن قسمت راجع اختیارات بنده وارد

شدم وقت گذشته بود و جلسه تعطیل شد بنده سعی میکنم اشارات باین قسمتها بکنم و زود بگذرم بنده در باب استدلال جناب آقای دکتر بقائی که برخلاف اصول است عرض کردم

که هیچ اصلی نیست که در مقابل یک اصل عظیم تری قابل استناد باشد و بعد گفتیم همه قواعد و اصول استثناء وارد می شود . امثله ای ذکر

کردم یکی دوتا را ذکر کردم یا ذکر خواهم کرد مثلا در حقوق می گویند قانون عطف بامسابق نمی شود این یک اصل است بلافاصله

بیشتر سر آن می گویند اما قوانین جزائی که مجازات جرمی را تخفیف بدهد یا جرمی را که

سابقا جرم بوده است از جرم بودن خارج بکند این نوع قوانین عطف بامسابق میشود (صحیح است) در قواعد نجوی و صرفی از

این امثال زیاد است یا فرض بفرمائید در همین موضوع که مورد استناد ایشان است راجع به تفکیک قوای سه گانه همین تفکیک قوای

سه گانه در قانون اساسی ما استثنائی دارد یکی از آنها عبارت از این است که با وجودی که قوه مجریه از قوه مقننه اصولا منفک است معذرت حکومت که قوه مجریه

است در مقابل مجلس مسئول است تمام ارتباطاتی که این قوای سه گانه باهم دارند میشود گفت بوجهی استثناء بر اصل تفکیک

قواست بنابراین اگر ایشان توجه بمطلبی کردند توجهی نبود که جامع الاطراف و

شایسته ایشان باشد بقول ابونواس

فقل لمن یدعی فی العلم فلسفة

حفظت شیئا وغابت عنک اشباه

اصل را فهمیدی ولی خیلی چیز های

دیگر را ملتفت نشده ای یکی را ملتفت

میشود ولی بقیه اش را خیره عرض میکنم حضور

محترم آقایان که باین نحو ریش آدم ممکن است گرفتار شود میگویند این خلاف اصل است بعد مخالفین بایشان میگویند که آقا

جناب عالی چرا ۵ ماه پیش این بیان را نفرمودید جواب می فرمایند خیلی آسان اشتباه کردم

خوب انشاء الله همینطور است ایشان فقط بنا بر اشتباه این رأی داده اند ولی این

مطلب ممکن است در ذهن بعضی اشخاص این خلجان ذهنی را ایجاد بکند که خدای

نخواست ، خدای نخواسته اشتباه نبوده است بلکه منی بر یک مطلب دیگری بوده است

و آن این است که آنوقت میل داشته اند این کار بشود الان میل ندارند این کار بشود

ممکن است برای بعضی این توهم حاصل شود چون بنده اینجا حدیثی ذکر کردم

گفتم القتل اشد من القتل (هدای از نمایندگان - آیه قرآن است) (رفیع - آیه ای از قرآن مجید است) بله صبح هم

یکی از رفقا که اینجا هستند فرمودند که این آیه قرآن است ولی ظاهر حدیث میباشد (رفیع - آیه قرآن است هم باشد من القتل وهم اکبر من القتل هر دو هست) (جلالی - بله در

سوره بقره و هر دو در یک صفحه است آیه ۱۸۷ و ۲۱۴) انشاء الله در قرآن است و آن حاکم است بین ما آنچه را که فراموش کرده بودیم

همانطور که آقا فرمودند ، سخنها بگردار بازی بود حالا وارد اصل متن مطلب می شویم متن مطلب اینست که بتشخیص نمایندگان

مجلس شورای ملی و تشخیص ملت ایران یک وضع تازه ای از چندی قبل پیش آمد

و یک انقلابی ، انقلاب نسبه بی سروصدائی

دیگر را ملتفت نشده ای یکی را ملتفت میشود ولی بقیه اش را خیره عرض میکنم حضور محترم آقایان که باین نحو ریش آدم ممکن است گرفتار شود میگویند این خلاف اصل است بعد مخالفین بایشان میگویند که آقا جناب عالی چرا ۵ ماه پیش این بیان را نفرمودید جواب می فرمایند خیلی آسان اشتباه کردم خوب انشاء الله همینطور است ایشان فقط بنا بر اشتباه این رأی داده اند ولی این مطلب ممکن است در ذهن بعضی اشخاص این خلجان ذهنی را ایجاد بکند که خدای نخواست ، خدای نخواسته اشتباه نبوده است بلکه منی بر یک مطلب دیگری بوده است و آن این است که آنوقت میل داشته اند این کار بشود الان میل ندارند این کار بشود ممکن است برای بعضی این توهم حاصل شود چون بنده اینجا حدیثی ذکر کردم گفتم القتل اشد من القتل (هدای از نمایندگان - آیه قرآن است) (رفیع - آیه ای از قرآن مجید است) بله صبح هم یکی از رفقا که اینجا هستند فرمودند که این آیه قرآن است ولی ظاهر حدیث میباشد (رفیع - آیه قرآن است هم باشد من القتل وهم اکبر من القتل هر دو هست) (جلالی - بله در سوره بقره و هر دو در یک صفحه است آیه ۱۸۷ و ۲۱۴) انشاء الله در قرآن است و آن حاکم است بین ما آنچه را که فراموش کرده بودیم همانطور که آقا فرمودند ، سخنها بگردار بازی بود حالا وارد اصل متن مطلب می شویم متن مطلب اینست که بتشخیص نمایندگان مجلس شورای ملی و تشخیص ملت ایران یک وضع تازه ای از چندی قبل پیش آمد و یک انقلابی ، انقلاب نسبه بی سروصدائی

توانین اساسی نوشته شود ، ملاحظه فرمائید
 برای اینکه مبصر شده است از قانون اساسی
 استفاده نکنند برای خاطر هر چه و مرج این
 است که میگوید اشخاصی که بواسطه فقد
 توانین فرجه ای که برای قانون اساسی نوشته
 شود از ابهام و اجمال قوانین مزبوره استفاده
 کرده مغل نظم و آسایش عمومی میشوند ،
 توجه فرمائید و با استناد بظواهر قوانین مجمل
 و بهم بوسیله انتشارات یا وسایل دیگر با
 اقدامات دولت ضدیت مینمایند و حتی بعضی
 اوقات برای اجرای مقاصد خود بقوانین ممالک
 دیگر متوسل میشوند باید دولت در جلوگیری
 و دفع خود آنها مختار باشد یعنی بکلی بهیچ
 قانونی لازم نیست استناد نکند . این را مجلس
 شورای ملی تصویب کرده است و کیفیت آن از
 مفاسدی که ممکن است بر سوء تاویل مجملات
 قانون مترتب شود جلوگیری نماید بقیه قانون را
 نمیخوانم هر کس خواست می رود میبیند و
 استفاده میکند عرض کنم حضور مبارک آقایان
 مطالب بنده تمام شد اینک بایستی اولادعی
 شیری بکنم و بگویم ، یارب مارا از خلیلی چیز
 مانگاهداد و شر بسیار زیبای حافظ در اینجا
 مورد دارد ،
 و یارب آن زاهد خود بین که بجز عیب ندید
 درو آهیش در آئینه ادراک انداز ،
 و امام طلب آخرم اینست که بعضی در اینجا
 اشاره میکنند که خدای تعالی خواسته از این اختیارات
 طلب ملک در قسمت سیاست خارجی یا فقط
 ممکن است استفاده بشود گمان میکنم
 خود آنها هم که این حرف را میزنند در
 دلشان این را قبول ندارند ولی فرض کنیم
 که این چنین خیالی را کرده اند باید عرض کنم
 که صدق را شما میشناسید و خود شما در همین
 مجلس که از او انتقاد میکنید در همین جلسه
 امروز و دیروز گفتید که سیاست خارجی او را
 قبول داریم میخواهیم ببینیم که چه شد این سیاست
 خارجی را حالا دیگر قبول ندارید . این سیاست
 خارجی که فرمودید با استناد این سیاست خارجی
 بود که ما سکوت کردیم و اختیارات دادیم می
 خواهیم ببینیم این سیاست خارجی دیگر تمام شده
 مگر الان قضیه خاتمه یافته است که شما دیگر
 احتیاجی بدادن اختیارات نمیبینید یعنی
 آن هلتی که شما را وادار کرده بود بدادن
 رای اختیارات مگر از میان رفته است؟ این
 یکی در تانی خوف از نفت دارید میترسید
 میترسید مصدقی که این عمل عظیم بین المللی
 درجه اولی را که تاریخ نظیر آن نشان نمیدهد (که
 بکملت ضعیف بتواند یک چنین اقدامی در مقابل
 یک ملت قوی بکند) انجام داده است آقایان
 خوف برشان داشته است که مبادا منافع
 ایران را در مورد نفت دستگیر مصدق به
 بیگانگان تسلیم کند خود این مطلب را فکر
 کنید و جوابش را هم در دلتان بدهید ، اما
 فرض فرمائید که خود این مصدق بکمر تبه
 امست کردید و اصعبت هویا ، یکدفعه تغییر
 کند شب بخواند صبح چنان مصدقی بیدار
 شود که میل کند نفت ایران را بدهد

بخارجیان ، فرض معار ، مجال نیست ، برای
 تشکین خاطر دوست قدیم خودم عرض
 میکنم که این کار مبصر نیست ، چرا؟ بدلیل
 این که اولاد اختیاراتی که لافاً دادید و از
 راه بی لطفی نمیخواهید دیگر امروز بدهید
 در همان اختیارات صریحاً و اضماً نوشته شده
 است اختیار راجع بنفت در حدود قانون ملی
 شدن نفت ، بنابراین آقا اگر هم این مصدق فردا
 صبح تغییر کرد ، این مصدق نمیتواند کاری
 غیر از نظر شما بکند نه فقط شما این اختیار
 را باو ندادید بلکه خودش هم دست خودش
 را بسته است ، اختیار باو دادید که اساس
 نامه شرکت ملی نفت ایران را که از کمیسیون
 گذشته است یعنی از هیئت مختلط گذشته است
 تصویب کند ، برای اطمینان خاطر آقایان
 عرض میکنم که در انجام ماده ۲۷ قرائت
 بکنند ، در ماده ۲۷ نوشته است خودش
 خودش را محدود کرده است ، در ماده
 ۲۷ نوشته است هر معامله ای که از دو
 میلیون تن بیشتر باشد آنرا دولت نمیتواند
 بدون کسب اجازه از مجلس امضاء کند ،
 بنابراین دستتان را بگذارید بروی این دل
 مبارک راحت و آسوده امشب بخوابید و اما
 بنده اشاره ای کردم ، مثالی زدم که آن مثال
 را گفتم کرد کرمانشاهی گفت ولی ابداً و
 اصلاً منظورم این نبود که کرمانشاهی و کرد
 این خصوصیت را دارند ابداً ، اصلاً ، بلکه
 مثال بود و در مثال مناقشه نیست و من و آنما
 این مثال را از کسی شنیدم که او بهمین
 ترتیب گفت و چون الامثلة لا تغیر من نخواستیم
 تغییر بدهم والا این قصد را نداشتم و من
 معذرت میخواهم از آقایان کرمانشاهی و
 کرد که همه تاج سر بنده هستند (کریبی-
 متشکریم) اما آمدم سر تلگرافات اجازه
 می خواهم فعلاً این تلگرافها و طومارها
 را فقط اسم ببرم - خود اینها به بنده قسم
 داده اند که غالب تلگرافها را بنده بخوانم
 آنها قسم دادند و این بنده قسم بخورده ام و بنابراین
 تکلیفی بر بنده نیست ، اما تلگرافها بطور
 کلی عبارت از این است که نمایندگان محترم
 اختیارات بدهند ، تلگرافات راجع باین
 است که اگر اختیارات را ندادید بنده عرض
 نمیکم که بطور تلگرافها راجع باین است
 که اشخاصی را که بنظر آنها نظرشان ممکن
 است خطا باشد راه دیگری بروند ، کار خوبی
 نمیکند تلگرافها عبارت از این است که ماهه
 متحصن هستیم والان ، السامه که من اینجا
 شرف حضور دارم در این نقاط مردم متحصن
 و نظری نظر قطعی و بتی نمایندگان خود
 هستند (صحیح است) اینها متحصن هستند ،
 خرمشهر ، آبادان ، کرمانشاه ، همدان که از
 همدان مکرر با خود من صحبت کردند و امروز
 صبح بنده از حضور جناب آقای یار ساچون
 گرفتار بودم تقاضا کردم شرح
 مفصلی نوشته اند که بنده تکرار نمیکیم ،
 خوی توسط جناب آقای یار سا ، مسجد سلیمان
 صبح بنده گرفتار بودم جناب آقای معتمد
 کوهانندی شریف بردند و با مسجد سلیمان

صحبت کردند (اقبال- همین الان از کرمانشاه)
 تبریز که الان تلگرافاتشان توسط نمایندگان
 محترمشان رسیده است ، اصفهان ، اراک ، بندر
 پهلوئی که تلگراف حضوری کرده بودند
 تلفن کردند ، تلگراف کردند توسط آقای
 دادور ، (حاج سید جوادی- قزوین) درست
 است همینطور قزوین که از بنده واز
 نمایندگان محترم خود یعنی جناب آقای
 حاج سید جوادی و جناب آقای صفائی خواهش
 کردند که مطالبشان را که همین مضامین
 هست بمرض مجلس شورای ملی برسانند بندر
 معشور که مکرر تلگراف کرده اند و از بنده
 خواسته اند که حتماً جواب بدهم والا ناراحت
 خواهند بود قائل ، اما آنچه که در تهران
 گذشته بازار و غیر ذلك
 (اخگر- جناب آقای دکتر شیراز ، بوشهر
 کناره دیلم را نفرمودید) بنده ممکن است
 خیلی چیزها را فراموش کنم ، یکی از
 بدبختیهای انسان همین فراموشی است و
 یکی از بدبختیهای انسان این است که
 سیات اعمال خود را زود فراموش میکند
 و ما نمونه اش را در نطق چند روز پیش یکی
 از نمایندگان دیدیم عرض میکنم اما تلگرافها
 (گهید ، تلگراف بنده را هم نفرمودید)
 (مهندس حبیبی- جناب آقای دکتر شایگان
 این محلها بیکه فرمودید بکرات هر یک از
 آقایان نمایندگان را خواسته اند و بنده
 افتخار چهار ، پنج تای آنها را داشته ام که
 صحبت کرده ام) این نقص بنده هم مثل
 هزار نقص دیگری که در بنده هست ، بنده
 اینها را تا آنجا که فرصت کرده ام مرتب
 کرده ام و اسم می برم ۲۱ فقره از شیراز ،
 ۱۷ تا از بهبهان اینها توسط بنده بهیچ
 نیر زنده رسیده است ، ۱۱ تا از آبادان
 ۵ تا از زردون ۳ تا از بروجرد ، ساوه ،
 بابلسر ، دزفول ، طهران ، اصفهان ،
 لاهیجان ، بابل یا بهتر بگویم بابل ،
 (بکسر ب) قضا ، فیروز آباد ، سنندج ،
 اهواز ، خرمشهر ، تبریز ، فیروز آباد ،
 اصطهبانات ، شاهرود ، شادکان ، خوی
 کاشان ، اینها را فرصت بود که اسمشان را
 نوشتم - مسجد سلیمان ، آبادان ، شوشتر
 همدان ، چالوس ، بروجرد ، بروجرد ،
 بروجرد ، گروس ، شیراز ، شیراز ، خرمشهر
 اهواز ، مشهد ، مسجد سلیمان ، بهبهان ،
 بهبهان ، مسجد سلیمان ، مسجد سلیمان ،
 آبادان ، آبادان ، شاهرود ، آبادان ،
 آبادان ، باز این دسته مرتب شده است
 خرمشهر ، تبریز ، طهران ، مسجد سلیمان ،
 آبادان ، بهبهان ، خرمشهر ، همدان ، این
 عده که ۳۰ تلگراف است بنده فقط روی آن
 نوشتم توسط دکتر شایگان ، من نمیدانم
 چه چیز است شاید چیزی است علیه بنده ولی
 همینطور تقدیم مجلس میکنم بعد آمدم این
 تلگرافها بیکه توسط سایر آقایان رسیده
 است ، چهار فقره از مشهد و سه جناب آقای
 نجفی ، یکی از ملایر توسط آقای مصطفی ،

دیگری از ساوجبلاغ و شهریار که اینها هم
 متحصن هستند توسط جناب آقای سکوت
 تلگراف کرده اند و گفته اند که بعضی مجلس
 برسانند . از ملایر همین است که عرض کردم
 این تلگرافها از وجوه اهالی خرم آباد است
 که توسط جناب آقای پوز سرتیب داده
 شده است - این تلگراف از رشت است که
 توسط جناب آقای رفیع داده شده این
 تلگرافها که عده اش معلوم نیست ولی زیاد
 است و بنده نمیتوانم یکی یکی ذکر کنم
 توسط جناب آقای مدرس داده شده است و
 ملاحظه فرمائید که زیاد است و از تبریز
 رسیده است . باز از تبریز توسط جناب آقای
 خلغالی ، این تلگرافها را که بازار گانان و
 رؤسای اصناف تبریز داده اند دائر بر یشتانی
 در آن و نمایندگان محترم تبریز بخاطر کرده اند
 در این محفظه است ، تلگرافی است از خوی
 توسط آقای یار سا دو تا تلگراف است فعلاً
 بوجه علی الحساب (یاد گرفتیم از رفیقان)
 برای آقای اخگر برای اینکه بعد هم مقدار
 زیادی تلگراف است برای جناب آقای
 اخگر که می دهند تلگرافاتی است توسط
 جناب آقای مهندس رضوی که حوصله نکرده
 اند ، شمارند که بنده بگویم که چقدر است ولی
 اجمالاً ۳۰ تا است قبول فرمائید (خنده
 نمایندگان) تلگرافهایی است برای آقای
 مهندس حبیبی که ایشان هم از بس گرفتار
 محاسبه هستند فرصت شماره کردن
 نکرده اند اینهم هست ، تلگرافهایی هست
 برای آقای مهندس زیر گزاره از تبریز ،
 خاش ، مسجد سلیمان ، اصفهان ، آبادان
 اصفهان ، قاین (خطاب با آقای مهندس
 حبیبی) معذرت میخواهم مقصودم تبعیض
 نیست اینطور شد که مال شمارا تکه تکه
 نتواندم تلگرافهایی است برای آقای شهیدی
 از اصفهان چهار تا از داران ، داران درست
 است (دکتر مصطفی - ضحیح است) بیخشب
 این را حمل بر بی اطلاعی بنده نکنید ، ۵۶
 تلگراف است توسط جناب آقای اخگر بنده
 را معاف فرمائید از اینکه بگویم از کجا
 است خیلی متشکرم ، تلگرافهایی است توسط
 جناب آقای دکتر سنجابی از کرمانشاه ۲۲
 تلگراف از شیراز ۱۰ تا از کازرون ۱۰ تا
 خراسان ۸ تا نویسرکان ۲ تا کاشان ۲ تا
 همدان ۲ تا طومارها از این قرار است خیلی
 کم است نگران نباشید مختصر است اولیک
 ابدای کرده است حزب منشعب
 از حزب زحمتکشان ملت ایران ، اینها
 خودشان را زحمتکشان میدانند و البته
 تکلیفش را علیه مین خواهد کرد اینها
 به نیروی سوم معروفند اینها یک ابدای
 کرده اند ، ابدایشان این است که نوشته اند
 مردمی که نمیتواند بیاید جمع بشود و
 چیزی را امضاء کنید این قطعات روزنامه
 را برای شما فرستادیم هر کدامتان در
 تقویت دولت مصدق میخواهید چیزی بنویسید
 بنویسید اینها جمع آوری شده ۲۵۰

صورت گرفت و آن انقلاب عبارت از این بود که وضعی که سابق بود که همه از آن شاکی بودیم که اداره مملکت و سیاست مملکت و کارها بنابر دیگران یعنی خارجها بوسیله اداره میشد بجمعه الله این وضع خاتمه پیدا کرد یک وضع تازه ای الان باید جای آنرا بگیرد دفتر گذشته را در نوشتن و دفتر جدیدی باز کردند حالا دو مطلب پیش آمده مطلب اول عبارت از این است که آنچه که در گذشته قانون نوشته شده اینها جز مقداری قبل بقیه در تحت سلطه همان عوامل نوشته شده همرا نوشته اند برای تثبیت آنچه را که خود آنها صلاح میدانسته اند در ایران تثبیت شود و منافع ملت ایران در نظر گرفته نشده بنابراین این قوانین باید اصلاح شود (صحیح است) مسأله دوم عبارت از این است که نمایندگان محترم مجلس توجه کرده اند باینکه این قوانین برای اداره اجتماع امروزی مناسب نیست ناقص است دلیل نقص این قوانین عبارت از همین است که این پیش آمدها شده است دلیل این است که بقول آقای دکتر بقائی دادگستری آن شکل است مالیه آن شکل است و غیره ، حالا بایستی این قوانین را بر وفق مراد ملت ایران و متناسب با محیط تازه ملت ایران تغییر و تبدیل داد و اصلاح کرد دوره برای اینکار هست یا این است با همان روش قانونگذاری عادی باین عمل بپردازیم و یا این است که یک راه تازه ای پیدا کنیم که برای مدت قبل از آن راه برویم و بعد انشاء الله امور را بسجرای طبیعی خود که وضع قوانین از طرف قوه مقننه است و لا غیر بر گردانیم این اصل مطلب است این مابه التزاع است ، این مورد اختلاف است ، حالا نمایندگان محترم ملت اینجا نوشته اند در این باب فکر میکنند اگر مصلحت دیدند که اختیاری دهند ما برای خیر مملکت و بدایلی که عرض کردم اختیار قانون گذاری را موقتاً بیک شخصیکه از هر جهت حتی از نظر مخالفین خود مردم کامل العباری است ، صادقی است ، صادقی است سوابقش نشان می دهد تفویض میکنند حال آیا مصلحت هست که اینکار را بکنیم یا خیر البته ممکن است بعضی مصلحت بدانند و بعضی مصلحت ندانند آن شخص هم بگوید من برای اینکه اصلاحاتی بکنم ، بایستی بن این اختیارات را بدهم اگر نمیخواستید من اصلاحاتی بکنم آن مسأله دیگری بودی می دیدم که آیا خوب است من همینطور حکومت بکنم یا نه اگر در این حرف خود صادق هستید که می خواهید من اصلاحات بکنم بایستی این اختیارات را بدهم ، بگوید که من باید وضع قانون بکنم وضع قوانین با آن روش هادی معمولی بسیار متین نمیتواند مرا موفق کند ، می گوید قوانینی که من بگذارم ، اینرا می

بگذارم و بعد با اختیار مردم بگذارم از آنها نظرمی خواهم و بعد اصلاح میکنم یا خیر . وقتی اجرا میکنم چون قوه مجریه هم در دست من است ، قانون هر اندازه ای هم که خوب نوشته شود ، وقت اجرا می فهمند که خوب نوشته شده یا نه ، بسیار اتفاق افتاده است که قوانین را مقننین درجه اول بعد از زحمات زیاد فراهم می کنند وقتی می خواهند اجرا بکنند تازه می فهمند درست نیست ، می گوید آقا این مزیت را برای من قائل شوید که من قانونی را وضع بکنم و اجرا بکنم ، وقتی اجرا کردم اگر دیدم که اصلاح لازم دارد اصلاح بکنم و اگر دیدم که باز آن اصلاح من ، اصلاح دیگری می خواهد باز هم اصلاح بکنم تغییر بدهم وقتی که شسته و رفته شد این را می دهم بآن قوه ای که حقیقه وظیفه اش قانونگذاری است یعنی مجلس شورای ملی آنوقت کلمه قانون روی او بگذارد و بگوید که مقطوعاً این قانون شد اما در باب سوابق دو جور سابقه در دنیا هست یکی راجع بدنیاست یکی هم راجع بایران بنده سوابق را الان حضور آقایان عرض می کنم ، در خارج ایران این کتاب مستطاب که عبارت است از حقوق اداری مارسل والین ، این شخص راجع با اختیارات میگوید این اختیارات ، اختیارات یعنی همین که قوه مقننه را موقتاً شخصی بدهند که او اینکار را موقتاً بکند و بعد برگرداند به مجلس ، اختیارات یعنی همین . میگوید این کار در بلژیک ، در ممالک متحده ، در چک اسلواکی در استونی ، در یونی ، در لو کزامبورگ غیر ذلك هم پیشش میگذارد ، می گوید داده شده مکن است من اینرا چاپ زده باشم ولی باین ماهری نیستیم ۶۰ این است (کتابی را نشان دادند) هر کس بخواهد می تواند ببیند ، بعد در خود فرانسه مثال می زند و میگوید در فرانسه ، یوانکاره در ۱۹۲۶ این اختیارات را گرفت و اختیارات خیلی مفصل و بعد هم دیگران و بالاخره دو کل بعد از جنگ البته بعد از جنگ راضی بکنیم برای اینکه در خود زمان جنگ که دیگر اندازه ندارد بخود این چرچیل اختیار دادند که جان و مال و حیثیت و همه چیز مردم انگلستان در تحت اختیار است ، من این حرف را نیز نم ، چون خواهند گفت مال زمان جنگ است دو کل برای بعد از جنگ است که این اختیارات را باو دادند عرض می کردم مسائل را باید از نظر بالاتری گرفت ، مسائل را با اینطور حل کرد که آیا مصلحت مملکت هست که ما این کار را بکنیم یا نیست باید توجه کرد که آیا هر روز شخصی مثل دکتر مصدق پیدا میشود یا نمیشود اگر کسی مثل دکتر مصدق پیدا شد ، اگر وضع مملکت هم بهمین وضع بودیکه چو وضعی تکرار شد ، البته آنوقت هم ملت ایران زنده است نمایندگان محترم هم اینجا

تشریف دارند و تشخیص میدهند که باید اختیار بدهند یا نباید بدهند ، بنابراین ، صرف اینکه سابقه می شود کافی نیست آقا سابقه چه شود چه نشود ، چه وجود داشته باشد ، چه وجود نداشته باشد ، اگر ملت هشیار نبود ، اگر نمایندگان متوجه نبودند چه سابقه باشد چه نباشد ، ممکن است قدری پیدا شود و همه گونه اذیت هم بکنند ، صرف وجود یا عدم سابقه حاکم بر آینده مملکت نیست آنچه چیزی که حاکم بر آینده مملکت است هوشیاری مردم و موقع شناسی مردم و نمایندگان آنها است ، شما این اختیار را بدهید ، البته اگر کسی مثل مصدق پیدا شد اگر اوضاع و احوالی نظیر الان پیدا شد اختیار دادن البته هیچ اشکالی ندارد آنوقت قضاوت خواهند کرد نه حالا ، ولی حالا میشود قضاوت کرد ، آنوقت هم این سابقه یا عدمش جلوگیری نمیتواند بکند ، در جلسه گذشته که صحبت میکردیم ، یکی از مفاخر عالم ادب ، گل بوستان ادبیات ایران جناب آقای دهخدا در اینجا آمده بودند ، گفتند من اول دفعه ایست که آمدم مجلس ، از بس علاقه باین مسأله مهم دارم ایشان گفتند که از قول من خدمت آقایان نمایندگان عرض کنید که آقایان آنچه چیزی که ملتی را نگاه میدارد و آن چیزی که اشخاص را ایجاد میکند آن محیط است شما اگر محیط را درست کردید ، اگر مردم را هوشیار نگه داشتید این مردم هوشیار اینها تکلیف خود را میدانند اما اگر نکرید ، اشخاص چیزی نیستند ، شما از اینکه الان مصدق است و می گوید که اگر به مصدق این اختیار را دادم چه می شود و چه نمیشود ، به مصدق را اختیار بدهیم یا نه ، اگر خدای نخواسته ملت ایران در خواب بود ، اگر ملت هوشیار نبود اگر این حس ضد بیگانه که بیگانه ای نباید در کار ما دخالت بکند ، نبود ، قطعاً آن محیط خفقان آور کسی را ایجاد خواهد کرد و لو اینکه پیش ما سابقه داشته وجود باشد یا نداشته باشد ، بعد برای اینکه بنده مطعون واقع نشوم که آقا کار دیگران بما چکار (در صورتیکه این ایراد وارد) نیست بنده از همین مجلس مقدس شورای ملی دلیل می آورم استناد می کنم بسوابق اینجا خواب عبارت از این است که که مجلس شورای ملی در دوره دوم به مرحوم مصمصام السلطنه ، پس از او جناب آقای مصدق السلطنه پس از او به مملکت ، پس از او مرحوم داور اختیاراتی داده است پس این سوابق هست اگر کسی خیلی هم پای بند سابقه است ، این سوابق موجود است و از عجایب اوضاع این است که در اختیاری که به مرحوم مصمصام السلطنه داده اند تقریباً یعنی تحقیقاً اختیارات نام و نام قانون گذاری را داده اند بنده اینجا برنامه آن مرحوم را که مشتمل است بر تمام موارد تصویب مجلس دوم گذشته است عرض می کنم البته همرا یعنی قوانینی یکی دو ماده اش را عرض

آقایان محترم میرسانم ماده سومش این است « چون باید هیئت دولت بقدر کفایت مقتدر بوده و اختیاراتی که لازم تعهد مسئول است دارا باشند و در انجام تکالیف خود مصالح مملکت را در نظر گرفته و از القای اشخاص یا مجامع غیرمسئول بهیچوجه مؤثر نشود در موافقی که این اشخاص یا مجامع عقاید خود را بدون اطلاع و رجوع بایولای مسئول امور بموقع اجرا میکنند و با بواسطه بعضی اقدامات از قبیل انتشارات مجبور یا تشکیلات خفیه یا مشوب کردن اذهان درصدد تضعیف قوای دولت بر می آیند فوراً از آنها جلوگیری نمود مرتکبین را مجازات کنند » به بنده بگذرد دست آن دولت را باز گذاشته بودند - بنده این جا مطلبی بغاطرم آمد و باید عرض کنم و آن عبارت از این است اداره امور مملکت توسط قوای متشکله مملکت یعنی مجلس و دولت و قوه قضائیه میشود ، هر گاه این قوا قصوری کردند و این قصور بعدی شد که قابل تعدیل نباشد البته ملت قیام می کند ، چنانکه در ۳۰ تیر کرد ، ولی هیچوقت در هیچ مملکت انتظام امور را باین نحو از خود مردم مملکت نخواسته اند قدرت ملت که برای نگاهداری مردم ، نگاهداری استقلال یک مملکت ضروری است ، این قدرت ملت ، بطور استثناء و فقط برای یکدفعه ، یک روز و یکساعت اظهار وجود میکنند بعد تمام میشود ، بعد دیگر نمیشود اداره مملکت را از آنها بخواهند که بعهده بگیرند اینچنین مملکت میشود هر چه مرجع ، همین چیزی که تریاق بود اگر خدای نخواسته مردمی بودند و خیال کردند که اینکار بد نیست برای اداره مملکت این میشود زهر این تریاقی که هر گاه قوای متشکله مملکت بوظایف خود عمل نکنند جایز است یکبار بطور فوق العاده اظهار وجود بکند و این لازمه هر ملت زنده ای است . ولی این که بگویند اداره مملکت سیاست مملکت بایستی توسط این مردم بآن شکل بشود این خطاست بهمین دلیل است که مصمصام السلطنه مرحوم ، مجبور شده است برای اینکه جلوی گیری بکند از چنین چیزی بپای اینک مبدا ملت بکمر تپه احساساتشان غلبه کند وضعی پیش بیاید که بجزر خود ملت و خود مملکت تمام شود بیک چنین قانونی میگذارد الان هم مطلب شبیه همان مسأله است اگر شما بخواهید اگر فلاحه بفرمائید قوانینی میگذرانند که مردم را ساکت کنند برای که کارها روی جریان طبیعی خود بیفتد روی این اصل است خواستم خدمت آقایان عرض کنم که نمیشود مملکت را بمشورت تمام با وضع ادار بکنند ، لافچه چیزی بگویند اما ماده دیگر ماده است که بگوید اشخاص بواسطه قوه قوانین فرمهای که بایستی

امضاء است، این مقدار دیگر هم خدا میداند چند امضاء است بنده نمیدانم هر کدام از آنها ده امضاء دارد اینها را آقایان خودشان کنترل میکنند که مبادا بنده حرف ناسازی زده باشم (امامی اهری - علی الحساب بفرمائید) عرض کنم اینها هم هست باز توسط نیروی سوم، این طومار جلواوری هست بزرگ، بنده باز کردنش را نمیتوانم باز از حزب زحمتکشان ملت ایران است که توسط بنده تقدیم نمایندگان محترم شده است، این طومار دیگری است از گروس، دیگری از اتحادیه اصناف، دیگری از اردستان که الان رسیده است دیگری توسط جناب آقای مهندس غروی از لاهیجان، (یک نفر از نمایندگان راجع بجای) پرنس دوچای، ساکنین خیابان امیریه توسط جناب آقای میلانی، کارخانه و نیک توسط جناب آقای ذوالفقاری (خسرو و ششانی - آقای محمد ذوالفقاری) این دو تا را هم همین الان دادند من نمیدانم از کجا است بعد میزیم بهش، این تلگراف مفصلی است که قسمهای شداد و غلاظدارند که این طومار را بخوانید از برد جریهای مقیم آبادان است باخط بسیار زیبایی هم نوشته اند که این طومار را بخوان عرض کردم آنها قسم داده اند ولی بنده قسم نخوردم بنا بر این نمیخوانم، دیگری است از آقای محمد حسین کسانلی کاشانی و غیره، دیگری از محمد علی صالحی، تلگرافی است از اصناف، همینطور رائدگان اتو غرب، اهالی شهرستان قوچان و سبله آقای حسن آقا بازرگان، این طوماری است از ساکنین سه راه شاه، آقای دکتر فاطمی نوشته اند که طومار هائی است از صنف بلور فروشی که توسط بنده فرستاده اند و در اتومبیل جناب ایشان است، این را بنظر بنده بهتر است جزو اسناد نیاورند، چون ممکن است بگویند که وجود ندارد (دکتر فاطمی - دستشان باقا نمیرسد من که رفتم دم درب به بنده دادند) دیگری از اتحادیه دروازه قزوین و اهالی ذراشوب، این تلگراف از اهالی دروازه شمیران است توسط جناب آقای دکتر سنجابی این بیشترش راجع به اتوبوسرانی است ولی در آن از تأیید دولت و همچنین تأیید آقای نریمان هم هست از اهالی تجریش توسط همان حزب منشعب از حزب زحمتکشان ملت ایران یعنی نیروی سوم، از اهالی چهار راه معز السلطان طومار بسیار سنگین و قطوری است، بسیار بسیار سنگین و رنگین، طومار دیگری مال شمال غرب تهران، طومار دیگری است مال کسبه بازارچه نایب السلطنه، این تلگراف ها هم از آبادان، آغا جاری، اهواز، شیراز، کازرون، بهمان و هفتگن توسط آقای خسرو ششانی که عدش را نمیدانم

(خسرو ششانی - نوشته ام ۷ تا) چقدر آقا؟ (خسرو ششانی - هفتاد تا) خدا توفیق بدهد عرض کنم عرایض بنده تمام شد، يك اجازه هم بدهید يك كلمه راجع بخودم صحبت کنم و آن عبارت از این است كه در دوره شانزدهم بنده مورد طعن واقع شدم كه معاون کشاورز بودم (دکتر معظمی - این مطالب را بگذارید برای بعد باشد آقای دکتر) اجازه بدهید این دو كلمه را برای خودم عرض کنم، بنده تفصیل نمیدهم، عرض کردم آقا بنده معاون کشاورز باین نحو بودم كه بنده معاون وزارت فرهنگ بودم کشاورز آمد سرکار و اما تمام دوره ای كه کشاورز بود از دو ماه بیشتر نبود باز کشاورز آنوقت را کسی نمیشناخت از این صحبتها نبود، نه فقط کشاورز را کسی نمیشناخت كه ممكن است مضر بحال مملكت باشد بلكه اگر خاطر شریف آقایان باشد حزب توده هم وقتی شروع بعمل كرد مردم خیال میکردند برای آزادی مردم است و آنوقت هم ماهیت خود حزب معلوم نبود كه چه خاصیت دارد، با تمام این احوال بنده ۲۰ روز با او همکاری كردم دیدم كه نه او کسی نیست كه بتوانم با او همکاری كنم، بنده در بجهت كار او مرخصی گرفتم رفتم این معاونت کشاورز و اما كاینه قوام السلطنه بنده اگر چه جزء نيكان نيستم ولی بسياری از نيكان این مملكت در كاینه های قوام السلطنه شركت داشته اند حالا اگر این هم جرم بود بنده این جرم را کرده ام و اما عمل بنده در كاینه قوام السلطنه، اگر قوام السلطنه در تمام كاینه های خودش بدی کرده است، این كاینه قوام السلطنه این يك كاینه بخصوص از اقتضات او واجداد او و احفاد اوست، آن كاینه كاینه ای بود كه در راه رهائی آذربایجان اقدام كرد (صحیح است) بنا بر این هر چه هست آدم بدی هم هست خیلی هم آدم بدی است ولی این كه بنده در آن كاینه شركت کرده ام جرمی برای من نمیشود، اما این حرف را کسی بزند كه هیچ الحمد لله انحرافی و تلونی برایش حاصل نشده باشد جایز است اما کسی كه خودش اعتبارنامه اش را از دست قوام السلطنه از يك جاتی كه غیر معروف بوده گرفته و در حزب قوام السلطنه وارد شده و در كمیته مرکزی آن بوده بنده او پشت بازده یعنی همینكه كار و كالتش تمام شد نمك خورده و نمكدان شكسته و بعد بجای های دیگر رفته پشتش از بار سیئات اعمالش خم است و ملت ایران آنرا نظیر عمرو عاص میدانند به بنده ایراد كند چه عرض كنم اسمش را نمیرم، برای اینکه اسم دكتر بقائی را بردن افتخار است ولی اسم او برای بنده ننگ آورا است كه ببرم

کفایت مذاکرات رسیده .
دکتر بقائی - بنده اجازه میخواهم **نایب رئیس** - جناب عالی برای چه اجازه میخواهید؟
دکتر بقائی - طبق ماده ۹۰ **نایب رئیس** - تعریفی در بیان جناب عالی شده است؟
دکتر سنجابی - ماده ۹۰ را اما اجازه خواسته بودیم ولی ماده های ۹۰ باشد برای جلسه بعد
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی موافقت دارید باشد برای جلسه بعد
دکتر بقائی - قبل از رأی باید باشد چون در استدلال بنده تعریف شده و قبل از رأی باید صحبت شود
نایب رئیس - بفرمائید آقای دکتر بقائی واز برای استفاده از ماده ۹۰ یا نروده دقیقه وقت دارید
دکتر بقائی - بیشتر هم استفاده نخواهم کرد، عرض کنم در این جا چند مطلب بود كه جناب آقای دکتر شایگان درست توجه نفرموده بودند، عرایض بنده روی این عدم توجه يك استدلال خیلی طولانی و فاضلانه ای فرمودند ولی غیر وارد یکی اینکه راجع به قانون مطبوعات بنده عرض کرده بودم اگر دولت اصلاح بشود، نگفته بودم اگر جامعه اصلاح شود، استدلال ایشان راجع باصلاح جامعه كاملا صحیح است ولی عرض بنده این بود كه اگر دولت اصلاح شود و خودش خوب عمل بكند مطبوعات اصلاح می شود و یکی دیگر اینکه این قانون برخلاف آنچه كه ایشان فرموده اند بمورد اجرا گذاشته شده است، ایشان فرمودند كه هنوز اجرا نشده این قانون بمورد اجرا گذاشته شده و طبق همین قانون هم به داد گستری مراجعه كردیم ولی متأسفانه تا كنون هم عملی نشده (وزیر امور خارجه - در قسمت هیئت منصفه هنوز اجرا نشده) آن قسمتیكه شكایت كردیم مربوط به هیئت منصفه نیست، اینکه ایشان مطالب بسیار زیادی راجع به نادانی و بیسوادی بنده با تلویحات بسیار ادیبانه و فاضلانه ای فرمودند بنده بشهادت آقایان و بشهادت آنچه كه با جلال نوشته ایم و گفته ایم گمان نمیکنم در هیچ جا ادعای فضل و سوادی کرده باشیم و آنچه كه راجع بقانون بیست درصد افزایش سهم کشاورزان بود بنده پشت همین تریبون بكرات عرض كردم و توی روزنامه هم بكرات نوشته ام كه نظریات انتقادی راجع باین قانونرا كه از سازمان کشاورزی حزب زحمتكشان تهیه شده بود به حضور آقای نخست وزیر عرض كردم و بنده هم كتابا بایشان نوشتم و بهترین دلیلش این است كه چهار صفحه ورق بزرگ تمام این نظریات نوشته شده بود و در اصلاحیه كه در این قانون بعمل آمده يك قسمت از این انتقادات اصلاح شده بقیه اش هم اصلاح شده باین جهت بنده هجرت

نه ادعای وارد بودن بعلم اقتصاد كردم بامور کشاورزی بنده همیشه میگفتم اطلاعی ندارم فقط يك عده مهندس و دانشمندان مطلع در اینكار زحمت كشيده و بنده در جا بلند گوی آنها بودم و بهترین صحت نظریات آنها این است كه این قانون را اینقدر مجبور شدند تغییر بدهند و هم همینطور كه عرض كردم قابل عمل نیست والا اینقدر تغییرش نمی دادند، خوش بنده خیلی تشكر میکنم از ایشانكه بر بقانون امنیت اجتماعی فرمودند كه در دستة متشكل مفسده جوئی این قانون در شده است باوجود تمام گرامتیكه را باین قانون بوده است ولی متأسفانه باین مطلب جواب نفرمودند كه این دستة مفسده جوئی تنها هیچگونه عملی نسبت بنده نشده است بلكه بلكی دستشان باز گذاشته و یکی دیگر راجع بهمین قانون در اجتماع متأسفانه ایشان آن قسمت آخرم ۲ رقرائت نفرمودند و فقط قسمت اول را رقرائت كردند كه بنده نسبت بآن فرمودم و ولی راجع بقسمت آخر ماده ۲ ایشان از قرائتش صرف نظر فرمودند و من كه مهم است در اینجا تمام استدلالاتی بجای خودش صحیح ولی گزارش رئیس ان و رئیس كارخانه، رئیس بنگاه، سندیت دارد مگر اینکه خلافش در محكمه شود این يك موضوع ننگ آوری است كه جواب ندارد و اما این كتابیكه ایشان را كردند راجع باختیارات بنده تاریخش نگاه كردم ندیدم چاپ چندم است ولی طبعش ۱۹۴۶ است و این كتاب از قیام معلوم است كه سالها در كتابخانه آقای شایگان بوده است بنده هم آنجا آنرا پشت جلد زیارت کرده بودم می خواهم وقتی آن استدلالهائی را كه راجع باختیارات گمرکی كه جزئی از اختیارات گمرکی می فرمودند مگر این كتاب را آنوقت فرمودند و آن استنادیكه كردند و آن كه در استدلالهای خودشان راجع باختیارات گمرکی بود این جا فرمودند و جوابی راجع باستدلالهائی كه جناب آقای مصدق راجع بهممان اختیارات گمرکی گفتند من می خواستم سوابق را ببینم بكنم راجع باختیارات دكتر ملبس فرمودند جناب دكتر مصدق بعنوان اینجا صحبت فرمودند و استدلالهای فاضلانه و عمیقانه ای فرمودند و بنده بجای ایشان بودم اگر خودم يك استدلالی کرده بودم دیگر این اختیارات را بجناب دادیم هم اشتباهی داده شده بود مسترد داشتیم

نایب رئیس - پیشنهاد كیفیت از آقایان اخگر و كهیدود كتر رسیده است فراموشی شود (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنیم
پس از اظهار نظر يك موافق و يك
مخالف مذاکرات کافی است. اخگر - کتر
مصباح زاده - که بعد.

نایب رئیس - آقای قنات آبادی
مخالفند بفرمایند

قنات آبادی - بنده مقدمه بمرض
مجلس شورای ملی میرسانم عریضی که
مرض میکنم دلایل مخالفت بنده با پیشنهاد
کفایت مذاکرات است و قبل از اینکه شروع
بسخن کنم چون جناب آقای دکتر شایگان
سخن فاضلانه و ادیبانه خودشان را با کلام
بزرگ آزاد مرد جهان علی علیه السلام امروز
صبح شروع کردند من اجازه میخواهم
عریض فاصر خودم را با فرمایش بانی تمدن
بشریت پیغمبر عظیم الشان اسلام بدون تفسیر
شروع کنم و فرمایش آن بزرگوار این
است که الا ان للعق دولة و للباطل جولة
حکومت حق ابدی است و تجلی و درخشش
باطل آنی است بدون تفسیر این حدیث
نبوی را تقدیم بمقام محترم آقایان نمایندگان
مجلس شورای ملی مینمایم آقایان محترمی
که طرفدار تمدید قانون اختیارات هستند
متوصل بدو دلیل اساسی میباشد یعنی آن
کسانی که معتقدند بایستی قانون اختیارات
تمدید بشود غیر از مطالب شخصی غیر از مطالب
خصوصی دو دلیل دارند برای اینکه عقیده
دارند که بایستی اختیارات تمدید شود این
دو دلیل یکیش این است که میفرمایند با
جریان و سنت های پارلمانی قوانین در
مجلس شورای ملی بسرعت تصویب نمیشود
و با وضع خاصی که ایران الان دارد موقعیتی
که ما داریم و مبارزه ای که ما برای ادامه
نهیض میکنیم لازم است قوانین بسرعت
تصویب و اجرا شود و دلیل دیگر آقایان این
است که میفرمایند فایده دادن اختیارات چه
۶ ماهه یکسال این است که ما در مقابل
دولتی که الان با آنها مشغول مبارزه حیاتی
هستیم دولت را تقویت کنیم این دو دلیلی
است که آقایان طرفداران اعطای قانون
اختیارات اقامه میفرمایند حالا شاید هم
دلایل دیگری وجود داشته باشد و من متوجه
نشده باشم و نفهمیده باشم آن مقداری که
من درک کردم و فهمیدم این است اما راجع
بشیرین درامر قانونگذاری بنده باید با آقایان
نمایند گان عرض کنم که اساساً قانونگذاری
برای این است که قوانینی اجراء بشود
یعنی قانون موقعی مفید فایده است که اجرا
بشود و بمرحله عمل در بیاید والا اگر مبلین
ها قانون در موارد مختلفه تصویب بشود و
اجرا نشود نتیجه بخش نیست و کان لم یکن
است مثل اینکه اساساً قانونی تصویب نشده
است در این ۶ ماه ۵ ماه گذشته ما ما بنیم
مقایسه میکنیم حساب میکنیم به بنیم چقدر
قانون تصویب شده است و چقدر اجرا شده
است اگر واقعا آن قانونهایی که در آن
نور ۵ ماهه تصویب شده و اجرا شده خیلی

سرریز از زمانهای سابق بوده است بسیار
خوب این يك دلیل محکم و متقن است از
این قوانینی که در ظرف این ۵ ماه تصویب
شده است و اکثرش هم بمرحله اجرا گذاشته
نشده اگر بخواهیم از نظر زمان تصویب و
زمان اجرا گذاشتن با زمان سابق مقایسه
کنیم میبینیم که خیلی بیشتر طول کشیده
بنابراین لازم است که بگوئیم از این نظر
نمیشود این دلیل را پذیرفت برای ادامه
اختیارات چند شب قبل که خدمت جناب آقای
دکتر مصدق شرفیاب شده بودم ایشان این
بیان را فرمودند که یکی از این قوانین که
در این دوره باستناد اختیارات تصویب شد
لایحه صدی بیست ازدیاد سهم کشاورزان
است و معتقد بودند که این قانون يك باره
اساس برای تحول و يك رفورم بسیار بزرگی
در ایران است البته آقایان می دانند که محصول
این ۶ ماهه اختیارات از نقطه نظر اقتصادی
و توجه بحال طبقه ضعیف و کشاورز زمین قانون
صدی بیست سهم کشاورزان است و آن مقداری
که خود بنده رفتم در محلها و مکانهای
مختلف در يك مسافرت ده روزی که در شمال
ایران کردم و آن جاهائی که من دیدم و
بان برخوردیم این قانون آنطوری که باید
عمل شود نشده است و در خیلی جاها هم اصلا
عمل نشده است چون من اینجا بعنوان مخالف
با کفایت مذاکرات صحبت میکنم و حقیقتش
هم این است که اساساً مخالفم با ادامه اختیارات
يك نکته را لازم است اینجا روشن کنم و آن
نکته این است که جناب آقای دکتر بقائی
اینجایش تریبون بارها فرمودند که من
باجتباب آقای دکتر مصدق موافقم اما
با اختیارات مخالفم و جناب آقای دکتر شایگان
اینطلب را نتوانستند قبول بفرمایند که
چطور میشود يك کسی بگوید من بتوا اعتماد
دارم ولی با این کارت مخالفم اینطلب را
نتوانستند قبول بفرمایند و حال اینکه این
مطلب خیلی ساده است اعتماد مطلق فقط
فقط میشود بخدا داشت و لا غیر یعنی آنکسی
که در مکتب توحید درس خدا شناسی را
خوب فرا گرفته باشد و از نظر توحید و خدا
شناسی بيك مرحله عالی رسیده باشد فقط این
است که خدا را میشناسد و اعتماد مطلق را هم
فقط بخدا دارد و لا غیر اعتمادی که نمایندگان
خدا نیست بيك دیگر دارند همه این اعتمادها
و علم اعتمادها و اطمینانها نسبی است بعلاوه
این موضوع موضوع اعتماد و عدم اعتماد نیست
بنده معتقدم در حال فعلی در شرایط فعلی
و چقدر کتر مصدق برای حفظ نهضت ملت
ایران ضروری است در مقابل هم این دلیل
و این اعتقاد را هم دارم و آن این است که بیان
راهی که در کتر مصدق السلطنه میخواهد
نهیض ملت ایران را حفظ کند و این مبارزه را
نمر بخش بکند سزاوار است که تمام مسئولیت
ها و اصطلاح تمام وظایف بشانه شخص او
محول بشود این روح مطلب است که يك کسی
بگوید بنده باشخص رئیس دولت موافقم اما

باصوب قانون اعطای اختیارات مخالف
بنابراین بنده هم میخواهم اینجا عرض کنم
و این عرض برای امشب نیست برای آینده
است بنده بشخص آقای دکتر مصدق اعتماد
دارم و معتقد هستم که ایشان باید باشند و
زمان کشتی وطن ما هم در اختیار ایشان
باشد و ما هم کمک کنیم و حتی بنده در چند
روزی پیش که بملاقات ایشان رفتم عرض کردم
آقا ما حاضریم يك طرحی تصویب کنیم
يك تصمیم قانونی بگیریم که در هر جلسه ای
ابتدای جلسه که وارد میشویم برای اینکه
شماره در مقابل اجنبی و در مقابل آنکسانی
که شما دارید با آنها مبارزه میکنید و مذاکره
میکنید تقویت کنیم قبل از شروع در دستور
يك رأی اعتماد بشخص جناب عالی و دولت
جناب عالی بدهیم این هیچ اشکالی ندارد این
کار را هم میکنیم اما موضوع اختیارات و
تمرکز قوا و توجه دادن تمام مسئولیتها بشخص
واحدی بکسر بسیار بسیار بزرگی دارد و آن
این است که بنده میگویم آقا همه کارها
بگردن آقای دکتر مصدق جناب عالی هم
بفرمایند آقا هم بفرمایند تمام دستجات هم
همین مطلب را باید کنند و بالتبجه تمام چشم
ها برای بر آورده شدن تمام حوائج قانونی
و اجتماعی متوجه شخص ایشان بشود بهر نسبتی
که احتیاجات و حوائج اجتماع بر آورده
نشود بهمان نسبت در اجتماع ایجاد باس
می نماید بهمان نسبت که کمتر برای مردم فکر
بشود دلسردی در اجتماع بیشتر می شود ما
در این ۵ ماهه اختیارات دقیقاً مطالعه
کردیم نوشتهجات آن دسته ای که همان اقلیت
همانده مفید جو که جناب آقای دکتر
شایگان اشاره بان فرمودند و فرمودند که
قانون امنیت اجتماعی برای جلوگیری از
آن دسته مفسده جو اصلا تصویب شده است
ولی تا حالا متأسفانه هیچوقت از قانون امنیت
اجتماعی برای آرامش محیطها بیکه در آنجاها
جنجال و اخلاص شده است نه در گذشته و نه در امروز
ونه در روز اول امضای قانون امنیت اجتماعی
ونه الساعه که من در مقابل شما ایستادم و با
شما آقایان دارم سخن میگویم از آن استفاده
نشده و آن اخلاصها مشغول اخلاصگری
هستند در کار گاهها کار گره های ملی را می
زنند و میکشند و موقعی هم که عدلیه تصفیه
شده بقول جناب آقای دکتر بقائی آنکسانی
که متهم بقتل هستند بگیرد بعد از دوسه
روز دیگر آنها را رها میکند آزادشان
میکند در خلال این ۵ ماهه آن دسته مفسده
جورا ما می بینیم که اینها مشغول يك عملی
هستند و آن عمل هم این است که میگویند
می نویسد و می آید منتشر میکنند در روزنامه
های علنی و می گویند ای مردم این دگر
مصدق که شما بهش رأی اختیارات دادید
این دکتر مصدق که شما ازش پشتیبانی
کرده اید این دکتر مصدق که اختیارات تام
دارد برای گرسنه ها برای محرومین چه
فکری کرده ؟ اینها در ظرف این مدت

ما هم مشغول این عمل بودیم که این مطلب
یعنی عدم توجه بوضع طبقه محروم و بیچاره
این مملکت را بزرگ کنند و هم طبقه محروم
وزحمتکش و گرسنه را متوجه این مطلب
کنند که نتیجه اش این بشود که بهر نسبتی که
با این دسته از محرومین اجتماع کمتر توجه
بشود محرومین اجتماع امیدشان بیشتر بمبدل
ببأس شود
نایب رئیس - آقای قنات آبادی
وقت شما تمام شده است دوسه دقیقه بیشتر
نمانده
(در این موقع آقای قنات آبادی آبی
که روی تریبون بود آشامیدند و اظهار
کردند این آب شیرین است - این آب
چیست) (دکتر شایگان - آن آب قند
است برای بنده آورده بودند)
قنات آبادی - برای جناب عالی بوده است پس
با اندازه ای که شفا باشد از آن خوردن مولی خواهش
میکند دستور بفرمایند برای بنده آب ساده بیاورند
(ناظر - زاده - سؤرمؤمن بود) جناب مقام محترم
ریاست مقرر فرمودند که بنده سه چهار دقیقه
بیشتر فرصت صحبتم در باره کفایت مذاکرات
باقی نمانده و البته بنده این را عرض کنم که
بنده نمیخواهم ۵۰۴ ساعت صحبت کنم و
قصه ندارم اگر چه خیلی مطلب هست
که می خواستم به عرض آقایان
برسانم اما اجمالاً این است که دلایل من
با کفایت مذاکرات با يك ربع ساعت تمام
نمیشود اگر آقایان نمایندگان محترم
(دکتر معظمی - این سابقه برای کفایت
مذاکرات ایجاد نشود ما حاضریم رأی
بدهیم که شما صحبت بکنید) بنده میخواهم
با آقایان نمایندگان محترم عرض کنم موقعی
پیشنهاد کفایت مذاکرات وجوب پیدا میکند
که مذاکرات در پیرامون آن مطلبی که
مطرح است بعد کافی شده باشد و چون بنده
این مطلبی که آقایان موافقتی با این لایحه
بیان فرمودند برای روشن شدن ذهن خودم
و برای از ابهام در آوردن مطلب کافی نمی
دانم و عرض کردم آقایان طرفدار تمدید
لایحه دو دلیل دارند يك دلیلشان این است
که قوانین سرریز وضع میشود و این را
نیامند اینجا بیان کنند که در ظرف مدت
۵ ماه چگونه قوانین سرریز و با اصطلاح
تندر از اینکه در مجلس بیاید وضع میشود
و بمرحله اجرا گذاشته میشود چون يك دلیل
این است که عرض کردم دلیل دومش را
هم که آقایان میفرمایند بایستی در مقابل
خارجی دولت تقویت بشود بنده عرض میکنم
این هم مانعی ندارد که چون همه آقایان
این نظر را دارند که دولت در مقابل خارجی
روز بروز تقویت بشود قبل از هر جلسه میباید
رأی اعتماد خودشانرا بدولت بدهند و این
مطالبی که گفته شد مجوز برای تمدید
اختیارات نیست بنابراین بنده عرض میکنم
که اختیارات نباید تمدید بشود و بزرگترین
دلیلش این است که وقتی خواهش ها

تقاضای متوجه يك شخص شده و همه آنها از يك شخص خواسته شد و او هم نتوانست تمام احتیاجات و حوائج و گرفتاری های اجتماع را بر آورد و بلیات را مرتفع کند عکس العمل شدیدی دارد و از این جهت است که بنده عرض میکنم میترسم این مملکت يك روزی در آغوش کمونیستی فرو برود و جهش این است که اگر بنا بشود این مردم و آن کسانی که این همه برای نهضت ملی مبارزه و فداکاری کردند مایوس بشوند آن دشمنان ما هم که مشغولند و دائم مردم نشان میدهند می مردم میفهمانند و دائم مینویسند که در مدت این اختیارات هم کاری انجام ندادند و بعد هم در این اختیارات دوم بگویند که کاری صورت ندادند نتیجه اش انحراف يك دسته معروف گرسنه است و این انحراف هم بضرر قطعی مملکت ما تمام می شود یعنی يك روزی يك بلائی مبتلا میشود که این بلا اسمش کمونیستی است که دیگر نه از احساسات نه تلگراف نه طومار نه بیان مستدل و منطقی هم جلو آن را نمیکرد آقایان به پرهیز از اینکه همکارها را متوجه يك شخص بکنید و آن شخص هم نتواند حوائج اجتماع را بر آورد و البته نتیجه محرومیت اجتماع متعريف بشوند و بيك طرفی بروند که دیگر نشود با تلگراف و با تحصن و طومار جلوی آن گرفت و این روزی است که در انتظار مملکت مانشته و من که يك دشمن کمونیسم از این روز میترسم

نایب رئیس - آقای اخگر شما توضیحی دارید بفرمائید

اخر - اجازه بفرمائید مختصر توضیحی بدهم بنده وارد جواب فرمایشات جناب آقای شمس قنات آبادی نمیشوم زیرا که اصل موضوع پیشنهاد کفایت مذاکرات بود و دلیل این که کافی است مذاکره بعقیده بنده این است که موقع غیر عادی است همه مردم در تهران و شهرستانها در هیجان هستند (صحیح است) و ممکن است در تأخیر مفسده ای واقع شود که ما نتوانیم جبران کنیم این مطلب خیلی ساده است جناب آقای دکتر مصدق میگویند که من این اختیارات را توأم با رأی اعتماد میدانم آقایان و کلامم مختار هستند اگر اعتماد دارند رأی میدهند و اگر هم اعتماد ندارند رأی میدهند مجلس را برای مذاکره دیگر در این باب معطل کردن و مردم را بیشتر در حال انتظار گذاشتن بعقیده بنده سودی که ندارد ممکن است موجب زیان هائی بشود که قابل جبران هم نباشد (صحیح است)

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

پیشنهادها قرائت میشود

پیشنهاد اول از آقای دکتر کیان است (شرح ذیل قرائت شد)

اینجناب پیشنهاد میکنم مدت اختیارات اعطائی بشخص آقای دکتر محمد مصدق

در امور مربوط به صنعت ملی شده نفت تا آخر دوره هفدهم قانونگذاری و در سایر امور موضوع قانون اختیارات برای ششماه از تاریخ انقضاء مدت سابقه تمدید میشود

شبهتري - (خطاب با آقای نایب رئیس) پیشنهاد بنده را خودتان نمره يك گذاشتید بخود جنابعالی تقدیم کردم و پیشنهاد اول سال بنده و آقای مجدزاده بود

نایب رئیس - پیشنهادی آقای دکتر کیان و يك پیشنهاد هم آقای معتمد ماوندی در جلسه گذشته دادند آقای معتمد ماوندی پیشنهاد خودشان را مسترد داشتند و پیشنهادی که در اداره بقید نمره يك ثبت شده متعلق با آقای دکتر کیان است و پیشنهاد نمره ۲ می شود پیشنهاد جنابعالی هم همراه با آقای مجدزاده است

دکتر کیان - در هر حال علاوه بر این پیشنهاد، پیشنهاد دیگری هم بنده داده بودم در موقع طرح لایحه و آن تقلیل مدت اختیارات بششماه مطلقاً بدون توجه بذکر موضوع نفت بود که در پیشنهاد درج است در هر حال علت تقدیم این پیشنهاد این است که همه آقایان میدانند دادن اختیارات از طرف مجلس شورای ملی بشخص واحدی مخالف اصول کلی مشروطیت و مغایرت دارد با قانون اساسی از لحاظ کلی این بحث البته شده است ولی از جانب دیگر بنده هم خودم معتمد شایدم اولین شخصی هستم که در جلسه خصوصی در طرح اختیارات فعلی عرض کردم که بنده معتمد در موقع ضروری و استثنائی لازمست و بيكی از مآرزش دادن اختیارات به آقای دکتر مصدق بود در همان موقعه که مطرح شد که همه آقایان کم و بیش موافقت دارند بنده هم موافقت خودم را در این مورد عرض کردم اما اینکه به شش ماه بنده پیشنهاد کردم تقلیل مدت پیدا بکنند برای این بود که احساس میکردم تصور می کردم که وقتی يك چیز خلاف است حق این است که بعد اقل ضرورت هم تقلیل پیدا بکنند یعنی با اصلاح اگر اکل میده در مواقعی مجاز است باید که تفا کرد بان حداقل ضرورت نه بعد اشباع و بنظر بنده خوب است به شش ماه تقلیل پیدا کند و برای اینکه حداقل ضرورت را در نظر بگیریم کافی است اما از آن موقع باینطرف اتفاقات و حوادثی پیش آمد که بر بنده اینچنین ثابت کرد که تا حدی دادن اختیارات لازمتر از آن چیزی است که من خیال میکردم یعنی بنده تصور می کردم که آقای دکتر مصدق با اینکه بالاتر دید مورد اعتماد قاطبه ملت ایران است و با اینکه تمام زعماء و شیوایان ملی و مذهبی ایران از ایشان پشتیبانی میکنند با اینکه هیچ منکری در راهشان بنظر نمی رسد و ایشان هیچ احتیاجی به خواستن اختیارات آهم برای مدت يكسال نداشتند برای این که همه موقع لایحه یا قانونیکه پیشنهاد میشود

مسئله مورد تصویب مجلس قرار میگرفت ولی از آن تاریخ باینطرف یعنی در فاصله دادن پیشنهاد بنده تا این موقع وقایعی پیش آمد که دیدم آقای دکتر مصدق بیچاره حق دارد نگران باشد که امکان است با وجود این اتفاق و اعتمادی که قاطبه ملت ایران دارد کفیات و حوادث و نظریات شخصی در راه پیش بیاید که آن کفیات مانع بشود از اینکه ایشان موفق بشوند راه اصلاحاتی را که پیش گرفته اند ادامه بدهند باین دلیل آخرین است که عرض میکنم از آن زمان باینطرف بنده نظرم تغییر کرده و این پیشنهادیهم که کرده ام مسترد میدارم (احسن است)

نایب رئیس - پیشنهاد آقایان مجدزاده، شبهتري و ناظرزاده قرائت می شود (شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنیم تبصره ذیل بماده واحده اضافه و تصویب شود:

تبصره - لوایح قانونی که در ظرف مدت اختیارات ششماهه بامضای آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر رسیده یا برسد بایستی تا انقضاء مدت مزبور کلاً بمجلس شورای ملی تقدیم شود و هم چنین هر يك از لوایح قانونیکه در ظرف يكسال دوره تمدیدی در حدود اختیارات تهیه و بموقع اجرا گذارده می شود بایستی از تاریخ امضای نخست وزیر فعلی منتهی تا سه ماه برای تعیین تکلیف قطعی بمجلس شورای ملی تقدیم شود

شبهتري - مجدزاده - ناظرزاده

نایب رئیس - آقای شبهتري بفرمائید

شبهتري - قبلاً باید بحضور آقایان عرض بکنم که باموافقت آقای مجدزاده قرار شد که در باره این پیشنهاد بنده توضیح بدهم (کریمی - ابتکار این پیشنهاد مال ایشان است) البته ابتکار مال ایشان است و منظور بنده اظهار شخصیت نبود میخواستم توضیحی داده بشود از هر طریقی که باشد کار نداریم (شهیدی - ایشان استاند) حق است کاملاً صحیح است ایشان وارد ترند بقوانین، فلسفه خواستن تمدید اختیارات چنانچه بهمه آقایان روشن شده این است که کشور ما در حال حاضر احتیاج مبرمی باصلاحات و اقدامات فوری دارد و ممکن است جریان عادی لوایح این حالت استثنائی را تأمین نکند و بر همه آقایان معلوم است که معنی این اختیارات تهیه لایحه قانونی و آزمایشی است و عنوان قانون بودن لوایح با تصویب مجلس شورای ملی حاصل خواهد شد و بدیهی است تمدید اختیار تهیه لوایح قانونی و آزمایشی ایجاب نمیکند که تقدیم لوایح به مجلس بتأخیر افتد بلکه برعکس دولت از یکطرف دست باصلاحات زده و از طرف دیگر مجلس شورای ملی به شور و رسدگی لوایح می پردازد لذا بنظر آمد علاوه از ایفاء قید مندرج در قانون اختیارات

ششماهه دولت مکلف باشد بتدریج را که تصویب و بمعرض آزمایش تقدیم مجلس نماید که در نتیجه کاملی بین مجلس و دولت برقرار مسئولیت تعیین تکلیف قطعی به آقایان نمیکند و البته نمایندگان محترم خواهند فرمود که حداقل مدت برای آزمایش سه ماه است امیدوارم باین عراض این پیشنهاد مورد آقایان نمایندگان واقع شود (صحیح است)

نایب رئیس - مخالفی نیست پیشنهاد؟

دکتر شایگان - اگر دولت کند مخالفتی لازم نیست

نایب رئیس - آقای کهد

خسرو قشقایی - دولت است

جلالی - در حضور جناب دکتر مصدق مطرح شد خودشان فرمودند

کهد - اجازه بفرمائید بنده خودم را عرض می کنم بطوری که آن استحضار دارند تمام قوانینی که در این تدوین شده بدست بنده رسیده و خیال کنم بدست سایر آقایان هم رسیده باشد تاکنون ۵۱ شماره از قوانینی که فرستاده اند پس خود جناب آقای مصدق اولانهایت مراقبت را دارند که از اینکه قانونی را امضاء کند در معرض عمومی بگذارند و مردم ایران استحضار کنند و آنچه بنظرشان میرسد اظهار بکنند و مردم بگویند (جلالی - مقصود این است) اجازه بفرمائید عرضم را بکنم هم بطوری که آقایان ملاحظه فرمودند بنده هم دیدم تاکنون قریب پنجاه و یک از اینگونه لوایح را برای مجلس فرستاده آقایان آن پنجاه و خورده ای را هم بفرمایند و مسلم بدانند هر قانونی که از آقای دکتر مصدق امضاء کند بلا ارسال خواهند داشت و بملاوه ممکن بعضی از قوانین و لوایح باشد که انداخته برای مملکت مفید نباشد این را بگنجانند با اختیار خودش این است که خواهش از آقایان پیشنهاد کنندگان که پیشنهادها را مسترد بفرمایند

نایب رئیس - آقایان پیشنهادها را نظر دیگری ندارند

مجدزاده - یکبار دیگر عرض (شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقایان پیشنهاد پیشنهاد موافقت دارند قیام بفرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد

دیگری است متعلق با آقای دکتر شایگان

آقای قنات آبادی و آقای زهری که می شود

(شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده واحده دولت در اختیارات بقراردیل اصلاح شود. اختیارات در کلبه امور مالی و بانکی و امور مربوطه بنفث (طبق قوانین) بشخص آقای دکتر مصدق داده

بصره ۱ - بکمیسیون های مجلس بکمیسیون های خاص در مورد لزوم) اختیار میشود لوابیح تقدیمی دولت را مطالعه

بصره ۲ - چنانچه کمیسیونهای فوق- گذر مدت ۱۵ روز نفیاً یا اثباتاً نظر را اعلام نداشتند بجناب آقای دکتر بق اختیار داده می شود لایحه تقدیمی را بورت لزوم طبق مقررات قانون اختیارات بخواه شخصاً امضاء نماید و بمرور اجرا بدعوی زهری - شمس قنات آبادی - دکتر کرمانی

نایب رئیس - برای توضیح هر کدام بان پیشنهاد دهندگان می توانند توضیح دهند سید جوادی - این بایشنهادی که تصویب شد مخالف است

زهری - اجازه می فرمائید؟ نایب رئیس - مفايرتی ندارد آقای

سید جوادی - اینطور بنظر بنده بد که مفايرت است اگر نیست نظری ندارم زهری - این پیشنهادی که تقدیم

چیز تازه ای نبود آقایانیکه در هفته گذشته جلسه فرا کسیون که با حضور جناب آقای است وزیر تشکیک شد تشریف داشتند این پیشنهاد هم اطلاع پیدا کرده بودند

عرض کرده بودیم البته از طرف رفقا و بزمحتکشان آقای دکتر بقائی در صحبت بکنه کردند تأیید کردند مگر که باشخص بان آقای دکتر مصدق موافقت و بشخص

ایضا رای اعتماد داده ایم و خواهیم داد ولی لایحه اختیارات بنوعی که تقدیم مجلس مخالف هستیم همل مخالفت با این لایحه

تبارت و علل موافقت با جناب آقای دکتر مصدق گمان میکنم مشروحاً بیان شد ولی در استاد محترم جناب آقای دکتر شایگان

باین دو موضوع را ممکن تصور نفرمودند باین اجازه می خواهم یک توضیح اضافی در موافقت باشخص و مخالفت با آن لایحه

با خارجی ها خیلی خوب عمل کرده اند و باید هم بتوانند عملیات خودشان را تعقیب بکنند ولی این هیچ متناقض نیست که بشخص ایشان اعتماد داشته باشیم (دکتر شایگان ماده ۹۰) ولی با لایحه اختیارات

بکساله بان نوعی که تقدیم شده مخالف باشیم جناب آقای دکتر شایگان که ماده ۹۰ هم خواستند در عدم امکان این امر مثالی

آوردند که ایشان چه طور بیک نفر که اعتماد دارد ممکن است پولی قرض بدهد و از سر رسید و قبض بخواهد این واقعا باعث تعجب است بنده هم اقرار میکنم اگر شخصی

به شخصی اطمینان دارد و آن شخص چیزی از آدم بخواهد آدم باید بلا شرط آن چیزش را باو بدهد بشرطی که آن چیز مال خودش باشد ولی اگر شخص مورد

اطمینان از شما چیزی را خواست که متعلق بخودتان نیست شما وظیفه دارید از ایشان رسید بخواهید و این رسید خواستن از او

دلیل عدم اطمینان نمیتواند باشد اختیاراتی است که آقایان نمایندگان مجلس دارند و اختیاراتی که طبق قانون بر ایشان ساخته

شده متعلق بشخص خودشان نیست و اختیاری که از طرف مردم بایشان تفویض شده است و بهیچوجه حق ندارند بصرف احساسات

شخصی اعتماد شخصی آنرا بدون شرط به یکی تفویض بکنند ما گفتیم که با اختیارات به نوعی که در لایحه

تقدیمی دولت ذکر شده است مخالفیم ولی همانطوریکه مکرراً از چندین بایش گفته ایم و نوشته ایم برای انجام اصلاحات برای

تاز کردن برای ایجاد مقررات تازه و انقلابی بطور قطع هر کسی که بخواهد این کارها را بکنند اختیاراتی لازم دارد و ما همان

طوریکه عرض کردم عقیده داریم که در حال حاضر زمان حاضر شرایط حاضر کسی بهتر از دکتر مصدق نیست و چه بهتر آن قدر

اختیاراتی که لازم است بدون اینکه مضراتی داشته باشد بایشان داده شود و بنظر ما یکی از دلایلی که آقایان برای لزوم اختیارات

اقامه میفرمودند و تا حدی هم مورد تأیید است این بود که دولت احتیاج دارد بانجیبی و خارجی ها بفهماند که تا یک سال دیگر هم اقلاً در سر

کار هست و ایشان نباید انتظار سقوط یا استعفی شدن ایشان را داشته باشند این موضوع در

عمل برای جلوگیری از بعضی سوءاستفاده ها مستحضر بشود خود آقای نخست وزیر ممکن است تمام اختیارات را شخصاً داشته باشد برای سایر مسائل بطوریکه بتجربه هم دیده

شده اغلب تصویبشان در مورد سایر قوانین مدت ها طول میکشد تا بدست کمیسیونهای مختلف تهیه و تفهید بشود هیچ مانعی نخواهد داشت این باعث تعطیل نخواهد شد که این

عمل طبق سنت سابق بکمیسیونهای مجلس یادر موقع لزوم بکمیسیونهای مخصوصی ارجاع بشود. نایب رئیس - آقای زهری مدت

توضیحات جناب عالی ۱۵ دقیقه بیشتر نمی تواند باشد حالا هم نزدیک با تمام است زهری - چند دقیقه دیگر بیشتر عرض

ندارم چون مقصود وقت گرفتن نیست و تکرار مکررات هم بنده نمیخواهم بکنم فقط هر چند یک ماده ۹۰ هم دارم که در موقعش

استفاده میکنم جناب آقای دکتر شایگان توصیه فرمودند که ما ما کیاولی را بخواهیم (دکتر شایگان - بنخوانید) حضرت تعالی خوانده اند و

بنده هم متناسفانه خوانده ام ملاحظه کرده ام که اصولی را که آقای ما کیاولی توصیه میکنند اصلاً با اخلاق و طبیعت بنده سازگار نیست

زیرا آقای ما کیاولی توصیه میکنند که در سیاست این الوقت بودن مانعی ندارد و اصولشان را آنطور که بخاطر دارم این بود که در

سیاست اصولی وجود ندارد اگر ما بیرون مکتب او بودیم خیلی آسان و شاید آسانتر از خیلی هارا آسان موافقت و موافقت رایش

میگرفتیم بنده بدون اینکه بخواهم عرض بکنم که ما مردان حرف نیستیم چنین ادعائی ندارم و قضاوتش باد دیگران است ما عجالتاً

خریدار بازار بی رونق شده ایم این توصیه ما کیاولی بطور قطع نیست (قنات آبادی - احسنت - احسنت) و یک نکته دیگر هم صحنه

خواستم عرض کنم این است که از طرف دولت رسماً تقاضا نشده که رأی در باره اختیارات بمنزله رأی اعتماد خواهد بود

(د. تر فاطمی - نوشته شده است) در مجلس خوانده نشد خوب بعد خوانده خواهد شد بنده از فرصت استفاده میکنم و عرض میکنم ... نایب رئیس - بله بنده بعداً توضیح

میدهم شما آقای زهری توضیحاتتانرا تمام کنید زهری - همانطوریکه عرض کردم یا آقای دکتر مصدق اعتماد و اطمینان داریم و بلا لایحه اختیارات باین ترتیب چون اعلام

کردیم رأی نمیدهم و چنانچه این دو موضوع با هم رأی گرفته شود منتخخ خواهیم بود. دکتر شایگان - پنج دقیقه به عنوان

مهندس زیر گزارده - موضوعیکه الان در مجلس ایران مطرح است بنظر بنده بنظر تمام آنهاستیکه علاقمند بدموکراسی و مشروطیت ایران هستند یکی از بزرگترین

مسائل است و وقتیکه انسان در مقابل مسائل بزرگ مملکتی قرار میگردد شایسته است با متانت و با خونسردی مطالب خودش را بیان

بکند هر موضوعیکه مطرح میشود اشخاص مطابق ذوق سلیقه و تمایلات خودشان جنبه های مختلف این مطلب را در نظر میگیرند

و نظر موافق یا مخالف نیست بان ابراز می دارند در این موضوع اختیارات دو جنبه کلی اولیه هست یکی جنبه امور خارجی

و نفت و دیگری جنبه امور داخلی و اصلاحات بنظر بنده تفکیک این دو موضوع بطور کلی مفهومی ندارد و برای اینکه آقای

نخست وزیر و یک عده ای اگر موضوع نفت را تعقیب میگردند برای اصلاحات داخلی ملت ایران بوده است در حال ملت ایران

در مبارزه نفت فاتح نخواهد شد و زحمات ما بنتیجه نخواهد رسید مگر اینکه اصلاحات داخلی انجام بگیرد بنده میخواستیم یاد آور

بشوم که اینقدر که ما بحث میکنیم راجع به موضوع اینکه امر دادن اختیارات یک امری است بر خلاف مشروطیت و بر خلاف اصول

می خواستیم یاد آور بشوم که هر وقت در مملکت موضوعی مطرح شود که آن موضوع با بقاء و هستی مملکت ارتباط داشته باشد

یک وضع خارق العاده ای است یک وضع مخصوصی است و در وضع مخصوص چاره مخصوص و راههای مخصوص لازمست

صحبت در این قضیه زیاد شده ولی من می خواستیم یاد آور بشوم که در امر اصلاحات دو موضوع باید در نظر گرفت یکی اینکه شرایطی که ایجاد وضع خاص و وضع اختیارات

میکند دیگر اینست که چه شخصی است که می خواهد هر موقع و هر موقعیت و هر زمان ایجاد اختیارات

نمیکند و در مواقبیکه ایجاد اختیارات میکند بهر شخصی نمی شود اختیارات داد این در مجلس ایران بایستی گفته شود و در

ذهن همه بماند که آنهاستیکه اختیارات می دهند به دکتر مصدق اختیارات می دهند و هر وقت در مملکت ما موقعیتی مثل موقعیت

امروز پیدا شد اگر شخصی مثل دکتر مصدق تقاضای اختیارات کرد باو داده خواهد شد و اگر آن شخص مثل دکتر مصدق نیست

داده نخواهد شد همانطوریکه در همان قضیه اختیاراتیکه در ۱۹۲۶ به پوانسکار داده شد یک اشاره ای فرمودند آقای دکتر شایگان

مقدمه اش را ذکر نکردند که این اختیارات را چند دولت خواسته بود و مجلس فرانس

نداد و مخصوصاً آخرین فردی که تقاضای این اختیارات را کرد دولت هر بود که باز هم جدیداً رئیس مجلس فرانس شد و آنک فرانس

بسرعت تعجب و غرور بی کنترل میکرد فرانس بطرف ورشکستگی مرفت و معتقد بودند

که بایستی اختیارات داده بشود ولی تا زمانیکه یوانکاره نیامد اختیارات را ندادند بنا بر این هیچوقت در زمان نباشد که ما بخواهیم فکر کنیم یا اشخاص دیگری فکر بکنند که میتوانند در موقع عادی یا مواقع غیر عادی باستناد اختیاراتیکه این دفعه داده شده است تقاضای اختیاراتی بکنند وضع ما ایجاب اختیارات از نقطه نظر اصلاحات میکند بنده با خودم اینطور فکر میکنم که چندسال است ما از فساد این زندگی صحبت میکنیم چندسال است فریاد میزنیم که زندگی ما یک زندگی خراب یک زندگی غیر قابل بقاء است و تعجب میکنم اگر بدرجه اهمیت این فساد پی نبرده باشیم اگر توجه نکرده باشیم که این فساد چه قدر هجیبی است و بنا بر این باید رسیدگی کنیم که برای اصلاح این وضع خراب چه قدر اختیارات میخواهد اساساً بجزردیکه شما میگوئید اصلاحات بیان این کلام میرساند که شما در مقابل یک وضع خرابی هستید یک وضع خراب یک وضع غیر عادی است این وضع خراب آقایان از صد و پنجاه سال بلکه میشود عقبتر رفت از اواخر دوران صفویه شروع شده است و همینطور خرابی در دنبال خرابی آمده است و ما را باین روزی رسانیده که همه می بینیم و شاهد آن هستیم این خرابی که تا این درجه توسعه پیدا کرده است با قوانین عادی با وضع عادی نمیشود اصلاح کرد ادعای اینکه ما میتوانیم یک وضع باین خوبی را با وضع مقررات عادی اصلاح بکنیم حقیقتاً تأسف آور است برای اینکه همچو چیزی غیر ممکن است مگر اینکه بخواهیم اصلاحات نکنیم مگر اینکه راستی راستی وقتیکه فریاد اصلاحات میزنیم وقتی که در میزنیم اصلاحات بکنیم یک بیانی باشد یک تبلیغی باشد والا حقیقتاً اگر بخواهید اصلاح بکنید باید با وسایل غیر عادی و از راه اختیارات بکنید بنده نمیخواهم داخل مشکلات زندگی خودمان بشوم ولی میخواهم چند مثال کوچک یاد آور شوم که چگونه کارها این اندازه مشکل است وقتی که فساد رژیم عادی یک مملکت شد وضعی که ما گرفتار آنیم گرفتار یک فساد وقتیکه فساد استثنائی نیستیم ما گرفتار یک رژیم فساد بوده ایم زندگی ما را یک دستگاه فاسد اداره می کرده است و دستگاہیکه یک رژیم فاسدی درین ۵۰ سال حکومت کرده است تمام زندگی مردم را این دستگاه در خطر می اندازد و تمام مردم زندگیشان منطبق با این فساد می شود ، آیا هیچوقت از خودتان پرسیده اید که چرا در ایران ما اینقدر دروغ گفتن می شود ؟ علتش این است که دروغ دفاع مردمان مظلوم است ، دروغ وسیله نجات مردمی است که در جنگال ظلم گرفتار میشوند وقتیکه در یک مملکتی ظلم مستقر میشود دروغ رفتار مملکت و هارت می شود ، اگر شما بوضع

نایب رئیس - آقای مهندس زیرک زاده وقت شما در حال اتمام است در پیشنهادی که مخالفت فرمودید صحبت بکنید **مهندس زیرک زاده** - بله ، و اما راجع به اصل موضوع چون تفکیک این قسمت اختیارات از این نقطه نظر که ما تمام اصلاحات را باید در نظر بگیریم بنظر بنده غیر منطقی است . . . چه قدر وقت بنده باقی است ؟
نایب رئیس - سه دقیقه .
دکتر بقائی - اجازه بدهید صحبت کنند آقای رئیس .
مهندس زیرک زاده - عرض کردم بنده وارد مثالهایی که می خواستم بزنم نمیشوم چند دقیقه بیشتر وقت ندارم می خواهم استفاده کرده باشم از وقت این پیشنهادی که آقایان میکنند از این نقطه نظر که اختیارات را از هم تجزیه میکنند از این نقطه نظر که یکمده فعالیتهایی که لازم است برای اصلاح آنها در اختیارات ذکر نمیکند از این نقطه که قسمت قانون استخدام کشوری را یکی از مشکلات کار ما است کنار میگذارند بنده بصلاح این کشور نمی دانم بنده معتقد هستم (شمس قنات آبادی - آقای مهندس زیرک زاده خواهش میکنم آن پیشنهاد را یکدفعه قرائت بکنید بعد از آن حرفهایی که حالا فرمودید شروع بکنید) شما فرمائید که یک مرتبه قرائت بکنند (دکتر بقائی آخر شمارا جمع بآن پیشنهاد دارید صحبت می کنید) پیشنهاد نزد آقای رئیس است فرمائید که یکدفعه قرائت کنند
نایب رئیس - آقای مهندس توجه کنید وقت شما در تمام میشود
شمس قنات آبادی - بخوانید تا بداند موضوعی که بحث میکنید چیست
مهندس زیرک زاده - آن چیزی را که بحث میکنم (قنات آبادی - مربوط به پیشنهاد نیست) بنده بهیچوجه عصبانی نخواهم شد و بعراض خودم ادامه میدهم و درش بحث میکنم
حائری زاده - مخالفت باین پیشنهادی است که اصلش را نمیدانید
مهندس زیرک زاده - آن چیزی که خودم میخواهم درش بحث میکنم و بحث من در این است که میگویم تجزیه ای راجع باین اختیارات قابل قبول نیست نه در مدت و نه در طرز اجرای آن و نه در مواد آن یک لایحه ای است که بنظر ما مفید میباشد و همان شکلی که هست باو رای میدهم و هیچگونه تغییر در آن را بنده بصلاح نمی دانم (احسن)
شمس قنات آبادی - آقای مهندس زیرک زاده همه تجزیه ها بد است یا این تجزیه ؟
مهندس زیرک زاده - همه تجزیه ها بد است
شمس قنات آبادی - تجزیه

آذربایجان بطور ائتلاف با فرقه دمکرات آذربایجان بطور (زنک رئیس)
مهندس زیرک زاده - این هم بد است .
نایب رئیس - پیشنهاد یک مرتبه دیگر خوانده میشود تا رای گرفته شود (بشرح سابق مجدداً قرائت شد) آقای کاظمی فرمایشی دارید بفرمائید
کاظمی (نایب نخست وزیر) - علت اصلی اعطای اختیار در سیستم مرداد بجناب آقای دکتر مصدق این بود که چون در موقع حساس مملکت اگر بنا شود برای هر یک از اصلاحات لازم و فوری لویجی تهیه میشد و با تشریفات پارلمانی بانجام میرسید موقع فوت میشد باین جهت آقایان تصویب فرمودند در این تاریخ که این اختیار در یک مدت محدودی به آقای دکتر مصدق داده شود که لوایح قانونی تصویب فرمایند و بعد از آزمایش ب مجلس تقدیم شود حالاهم از خیلی جهات همانطور است که در ۲۰ مرداد بود و چون این پیشنهادی که ۳ نفر از آقایان امضاء فرمودند متأسفانه قبولش میسر نیست بعلاوه وقتی که آقایان یک تبصره ای را تصویب فرمودند که ۳ ماه بسماء میبایستی این لویجی که تعیین شده به مجلس فرستاده شود بنا بر این آن مقصود یک صورت دیگری تلمین شده است .
(صحیح است)
نایب رئیس - بهر صورت باید تکلیفش برای مجلس معلوم شود پیشنهاد آقایان دکتر بقائی و قنات آبادی و زهری به شرحی که قرائت شد برای میگیریم آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد . آقای دکتر شایگان بچه عنوانی جناب عالی اجازه میخواهد .
دکتر شایگان - طبق ماده ۹۰ خلی مختصر است (نایب رئیس - بفرمائید) جناب آقای بقائی دکتر بقائی خیلی بینه ایرادات وارد آوردند برای آنچه زهائی که نگفتم آنها را میگذارم برای بعد ولی در باب آنچه زهائی که گفتم ایشان مطلبی گفتند و من خیال کردم که نظر ایشان است ولی وقتی دیدم که آقای زهری فرمودند معلوم شد خیال کرده اند که بنده فکر کرده ام رای اعتماد دادن با عدم تفویض اختیارات منافات دارد بنده هیچوقت چنین چیزی عرض نکرده ام بنده عرض نکردم که کسی که رای اعتماد میدهد لازم است این است که بایستی رای با اختیارات هم بدهد (شمس قنات آبادی - احسن است) ایشان آنچه زهائی دیگر را فراموش کردند بنده عرض کردم آن پیشنهاد ۳ فوریتی راجع بدم تعطیل مجلس آن الفاظی که ایشان فرمودند که فلان و فلان قانون منقضی است و فلان قانون بسیار اقتضای آراء است از این باب مسائل است (لالی - آن طرح تمام شد آقای دکتر شایگان این اندازه کش دادن ندارد) عرض کنم ۲۵

تکرار است که الان رسیده است .
دکتر بقائی - بنده طبق ماده ۹۰ اجازه میخواهم .
نایب رئیس - شما استفاده از مدار ۹۰ را برای جلسه بعد گذاشتید .
دکتر بقائی - عرض دارم که باید بگویم .
نایب رئیس - ضمن پیشنهاد بفرمائید پیشنهادی از آقای دکتر بقائی رسیده است قرائت میشود .
(بشرح زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم لایحه تاجله فردا صبح مسکوت بماند .
دکتر بقائی کرمانی .
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی بفرمائید .
دکتر بقائی - بنده اینجا میخواهم یک مطلبی را عرض بکنم که هیچ دلیل نداشته از پشت این تریبون این مطلب را عرض کرده باشم ولی جانی که وظیفه خود مرا تشخیص دادم چاره ای ندارم جز اینکه چشم راهم بگذارم و آنچه را که باید عرض کنم بنده حضور آقایان کراراً عرض کردم که سیاست مدار نیستیم و این مبارزه ای را که شروع کرده و ادامه میدهم روی الهام قلبی بود حالا ممکن است خیلی ها باین حرف بکنند خیلی ها معتقد نباشند ولی شخصاً باین الهام قلبی خودم اعتقاد دارم و اگر غیر از این بود این تلاش مذبحخانه را حالا نمیکنم برای اینکه می دانم همینطور که عرض کردم باین اختیارات رای داده خواهد شد میدانم و می دانم که چه جور هم رای داده خواهد شد برای اینکه این آقایانی که این جور سنگ اختیارات را بسینه می زنند اگر شهادت این را داشتند که تقاضای رای مغفی بکنند این اختیارات تصویب نمی شد ولی این کار را نمیکنند عرض کنم چیزی که بنده را متذکر می کند خدا از گناه من بگذرد و امیدوار هستم که در اشتباه باشم و همان طور که در جلسه دیروز هم عرض کردم تنها آرزوی من این است تمام آنچه که اینجا گفتم تمام استدلالهایی که کردم تمام آنها غلط باشد و بنده در اشتباه باشم این آرزوی من است و حالاهم باز آن آرزو را تکرار میکنم امیدوارم که در اشتباه باشم ولی آقایان یک چیز هست که بنده را بی انگیزه نگران کرده و آن این است که فردا در مجلس است که اختیارات دمکرات های امری تفویض به جمهوریخواهان میشود چند ساعت بیشتر از این موضوع بمانی نیست ساعتی که تقاضای این اختیارات ب موقع یعنی یک روز بعد از رای اعتمادی مجلس بانفاق آراء داده بود تقاضای این اختیارات شد بنده یک قدری تا راحت شدم وقتی این ترمیم جلسه صحیح و جلسه ضروری است خدمتکون خدمتگزاران خدمتگزاران

که حضور آقایان عرض کردم روی آن ناراحتی است که دارم برای خاطر این پیشنهادی که من دادم چقدر فحش بمن دادند خواه شد چقدر اظهار تفر خواهد شد خود مرا میاگردم تمام اینها ولی تقاضای این را دارم که اگر هیچ واقعه ای در این چند ساعت نباید اتفاق بیفتد که ما اطلاع نداریم برای اینکه این لایحه تصویب شود فردا صبح پیش رأی داده شود نه اینکه امشب که ده ۱۵ ساعت وقت بآن چیزی که عرض کردم بیشتر نماند برای اینکه بنده روی این موضوع ناراحت هستم و این عرض هم که میکنم روی ناراحتی است و وظیفه خودم می دانم که این مطلب را عرض کنم برای اینکه دولت دمکرات آمریکا همانطوریکه آقای دکتر مصدق گزارش فرمودند دوست عزیز ما آقای مکی اینجا گفتند و سایرین گفتند و نوشتند با انگلیس هادستان یکی است و این مذاکرات هفت ساعته هندرسن من نمیدانم چیست این را موافقت کنید که فردا رأی بلا لایحه اختیارات داده شود

نایب رئیس - آقای حاج سید جوادی مخالفید؟ (سید جوادی - بله) مختصر توضیح فرمائید

حاج سید جوادی - باینکه بنده را بگرد دیگری در روزنامه شاهد معرفی کردند و من را در روزنامه خوانند و ولی بد کتر بقائی علامت و سوابق خدمات او را هم فراموش نکنیم و ایشان را در این مورد بنده باطل نمی دانم ولی ممکن است اشتباه کرده باشند الهامی است برایشان برای منم الهام شده (که بجهت اصلاح فحش گذشت سه ساعت است که جمهوری خواهان تحویل گرفته اند) ولی فکر دیگری برای من پیدا شد فکر من این است که این پانزده ساعت یاده سلامت بعد اینکه نصفش مان خواب است ایشان چه الهام دیگری برایشان پیدا میشود که صبح این موضوع حل بشود ممکن است وقت خواب الهامی بایشان بشود اما در خواب هیچ الهامی برای شما نمیشود و در این شب هم هیچ مشکل حل نمیشود و صبح هم این قضیه تصویب نمیشود ما هم پیش از این نمیتوانیم مردم را نگران و معطل کنیم سبیل تلگراف است که می آید و ما مخلص اجتماع اجتماع هم مصدق را لازم دارد اصلاح را از او میداند و میخواهد ما مخلص او هستیم لای این اصل عقیده ام این است که این پیشنهاد لوالب ندارد و با آن هم باید مخالفت کرد از حالا تا صبح هم آنقدر وقتی نیست که بتوانند ایشان یک الهام دیگری بگیرند

دکتر بقائی - عرض بنده را تمام تعریف کردند

نایب رئیس - آقای وزیر خارجه را مابقی دارید فرمائید

وزیر خارجه - بنده بسیار متأسفم که رفیق عزیز ما جناب آقای دکتر بقائی یک مصلحتی را که کاملاً جنبه داخلی دارد یک مصلحتی را که در موطش میفرمائید ممکن است

فردا هم فرض بفرمائید رئیس جمهور قبلی بین بخواهد زمام امور را در دست بگیرد در یک مملکت دیگر در او گویند هم یک کسی بخواهد زمام امر را در دست بگیرد اگر مطلب این بود که این اختیارات را از فردا صبح به جناب آقای دکتر مصدق میدادند و ایشان صاحب اختیار میشدند ممکن بود یک چنین سوءظنی که جناب آقای دکتر بقائی میفرمودند بوجود بیاید آقای دکتر مصدق تا بیستم بهمن صاحب اختیار است (صحیح است) یک چنین صحبتی را فرمودم مخصوصاً بسیار جای تأسف است که جناب عالی در چندین سال بایک مردی که مظهر مبارزه یک ملتی است سبیل یک نهضتی است همدوشی کردید و آنوقت امروز تشریف مبارزید اینجا یک چنین بیانی میفرمائید یک سوء ظن حضرتعالی دارید بنده نه از نظر اینکه عضو دولت هستم از نظر اینکه همیشه با جناب عالی در یک صف بوده ام و همیشه ارادت داشته ام و با هم در یک مبارزه شرکت کرده ایم از حضرت عالی استدعا میکنم این کلمه سوءظن را استرداد فرمائید برای اینکه جناب آقای دکتر بقائی ملت ایران بعد کتر مصدق سوء ظن ندارد ملت ایران دکتر مصدق را سبیل این نهضت و این مبارزه می دانند (صحیح است) اگر امروز نمایندگان محترم اینجا نشسته اند و زحمت بخودشان داده اند برای این است که یک مملکتی نگران است برای اینست که مردمی از هر گوشه ای گوششان به صدای تهران است اما بهیچوجه این مطلب مربوط به انتخابات عمر و یارفتن زید نیست یک مذاکراتی در جریان بوده است و مخصوصاً آنرا باید به جناب آقای دکتر بقائی عرض کنم که آن وزرای دمکرات از روز یکشنبه خانگی کرده اند و مراجع به آنرا و فردا صبح اورسما زمامدار دولت است دیگر موردی ندارد اینرا که فرمودید تا فردا صبح کاری خواهد شد یعنی میفرمائید نصف شب امشب وقتی اختیارات داده شد حادثه ای پیدا نمیشود بنده از حضرتعالی باینکه شکسته نفسی فرمودید فرمودید که از سیاست چیزی نمیدانید بنده این حرف را قبول ندارم میدانم که حضرتعالی کاملاً از سیاست اطلاع دارید و تمنی میکنم که از ناچهار حضرتعالی یک چنین حرفی نسبت به یک شخصی که همیشه اعتماد خودتان را حتی در مخالفتتان ملحوظ فرموده اید بهیچوقت ابراز نفرمائید

دکتر بقائی - اجازه فرمائید بخواهم توضیح بدهم به پیشنهاد رئیس بگیرم

نایب رئیس - توضیح نداد

دکتر بقائی - آقای مهندس میخواهم توضیح بدهم و پس بگیرم

نایب رئیس - چه توضیحی میخواهید بدهد؟

دکتر بقائی - باید توضیح بدهم و پس بگیرم بنده عرضی که کردم هاگی از نگرانی من بود و جناب آقای حاج سید جوادی عرض بنده را نکلی تعریف کردند بنده عرض نکردم

حکامش می خواهم الهام بگیرم از جانی عرض کردم الان در یک حالتی هستم که نگران هستم این توضیحاتی هم که دادند بنده می دانستم که آقای دکتر مصدق اختیارات دارند و فردا هم تمام نمیشود و تا بیستم هستند بنده این را عرض کردم موافقت کنید فردا بشود حالا که این وضع است پس میگیرم (احسن)

نایب رئیس - حضرت در اشتباه است؟

دکتر بقائی - بله مسترد داشتم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود

تبصره - دولت مکلف است در مدت یک ماه از حین تصویب این قانون انتخابات مجلس شورای ملی را با جدول منظم شده برای تصویب بکند - بیون کشور مجلس شورای ملی تقدیم دارد پس از تصویب بلافاصله تا ۱۵ روز انتخابات سایر نقاط را که تا حال را که مانده شروع نماید. بهادری

ناظر زاده - همانطور که نوشته شده بود قرائت شد

نایب رئیس - آقای بهادری

بهادری - این پیشنهادی که تقدیم کردم مربوط به نیت نبی باشد که مورد بی مهری باشد و سیاست خارجی دخالتی در این کار ندارد تمنی دارم آقایان توجه فرمائید بنده دوسه جلسه آمدم قبل از دستور عرضی مربوط به قانون انتخابات و جدول بعرض برسانم متأسفانه نوبت نشد آقایان تصدیق دارند که قانون انتخابات بغیر از قوانین مالی است تصویب میکنم اگر در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی بشود با دقت و مطالعه کامل این قانون را بگردانند میتوان گفت که قانون اساسی را تکمیل و خدمت بزرگی برای مشروطیت و آزادی انجام داده ایم و اقبال ما افتخار خواهند کرد بندان آنها مشروطیت ایران را تکمیل و نهال آزادی را تقویت کرده اند آقایان تصدیق دارند که قانون فعلی مضراتش کتر از قانون نوشته شده بود (دکتر کیان - کاملاً بر عکس است) آقای دکتر توجه کنید آزادی مردم در آن قانون بیشتر بوده اختیارات انجمن نظارت بدست مأمورین دولت نبوده بملاوه متناسب بین حوزه های اصلی و فرعی در انتخابات بیشتر از این جدول جدید بوده بدون مطالعه بنظر بنده جمع شده، مثلا شهر تاریخی تبریز، زادگاه ستارخان و مشعلدار مشروطیت که ۹ نفر وکیل داشته است در این جدول ۴ نفر گذاشته شده که مورد اعتراض عموم آذربایجان می باشد این است که بنده پیشنهاد دادم که بیاید بکسیبسون و در آنجا تصویب شود دیگر بخته بنظر آقایان است

نایب رئیس - آقای ناظر زاده

ناظر زاده - بنده توضیح مفصلی

ندارم در اینکه در جدول ضمیمه لایحه قانون انتخابات خیلی اشتباه شده و اصلاحاتی لازم دارد جای تردید نیست (صحیح است) و همین جهت دعوتهایی هم برای اصلاح این قانون شده و میشود و همینطور که الان تصویب شد تا سه ماه این قوانین باید برای تصویب و اصلاح بیاید به مجلس یک نکته دیگر هم در این پیشنهاد است که نوشته اند پس از تصویب بلافاصله در مدت ۱۵ روز، بنده نفهمیدم اگر بلافاصله است ۱۵ روزش دیگر چیست و اگر ۱۵ روز است بلافاصله اش کدام بهر صورت چون جدول اصلاح خواهد شد خواهش میکنم پیشنهادشان را پس بگیرند

رفیعی - پس گرفتند

بهادری - نه آقا، یکمرتبه دیگر قرائت کنید

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - آقای وزیر کشور

دکتر صدیقی (وزیر کشور) - آقایان نمایندگان محترم می دانند که یکی از مواد اساسی برنامه دولت اول جناب آقای دکتر مصدق اصلاح قانون انتخابات بود و خاطر مبارک آقایان نمایندگان هم چنین استحضار دارند که ایشان در دولت دوم خود از ابتدای شروع بکار مشغول باین امر مهم بودند و یک کمیسیونی از اشخاص صالح و عالم و واقف انتخاب فرمودند و آن کمیسیون هم طرح لایحه قانونی انتخابات پیشنهاد کرده است و قریب ۴ ماه در این راه و کار صرف وقت کرده است قانون، یعنی لایحه قانونی حاضر شده است و این لایحه قانونی جدولی دارد و پس از اینکه دعوت شد از آقایان نمایندگان محترم که در منزل جناب آقای نخست وزیر تشریف بیاورند در آنجا بحث کنند و نظر خود را اظهار کنند عملاً معلوم شد که بهتر آن است که این جدول منظم به لایحه قانونی منطبق شود با جدولی که برای لایحه قانونی تقسیمات کشوری تهیه میشود (صحیح است) آقایان نمایندگان به چهار دسته بر حسب موقع جغرافیایی تقسیم شدند و از محضر آقایان استفاده شد، دو جلسه با حضور جناب آقای نخست وزیر مذاکراتی بعمل آمد و نتایج آنرا صاحب مطالب و ارشاداتی که فرمودند وزارت کشور همه را یادداشت کرد و به آقایان قول داد که نظر آقایان را در لایحه جدید یعنی طرح لایحه جدید تأمین کند (صحیح است) و منطبق کند جدول منظم باین لایحه را با جدول لایحه قانونی تقسیمات کشور، دیروز هم فرار بود که جلسه سوم تشکیل شود که مجلس چون گرفتار کارهایی بود این جلسه منعقد نشد و فردا هم جلسه تشکیل خواهد شد بنابراین این عرض من خود کافی است ظاهر آنکه بعرض آقایان برسانم و معلوم کنم که دولت کمال علاقه را دارد

یعنی مخصوصاً شخص دکتر مصدق (صحیح است) که این لایحه به بهترین وجهی تهیه شود و همانطور که نماینده محترم جناب آقای بهادری فرمودند کومکلی به تکمیل قانون اساسی و حفظ آزادی بشود» بعین عبارت نقل کردم فرمایش جناب عالی را بنابر این چون حالا هم صحبت شد که این لایحه وقتی تمام شد سه ماه بعد تقدیم مجلس شورای ملی بشود» بنده تصور میکنم که مقصود نماینده محترم خود بخود حاصل است (صحیح است) و دولت مطالعات کافی خواهد کرد با سرعت اوقات این لایحه را تمام خواهد کرد در این صورت استدعا دارم از جناب آقای بهادری که پیشنهاد خودشان را پس بگیرند

رفیع - قبول فرمودند

بهادری - بنده مقصودم تذکر بود و باین توضیحی که جناب آقای وزیر کشور فرمودند مسترد داشتم (احسن است)

نایب رئیس - آقایان توجه بفرمائید که پیشنهادها تمام شده و لازم است که بناده واحد و اضافات رأی گرفته شود ولی دو مطلب بود که قبلاً خواستم عرض کنم یکی این است که آقای نخست وزیر ضمن نامه ای که در تاریخ ۲۷ و ۲۸ و ۳۱ به عنوان ریاست محترم مجلس شورای ملی نوشته اند در آخر نامه مینویسند «ضمناً با استحضار میرساند که از نظر دولت، رأی باین لایحه، رأی اعتماد تلقی خواهد شد» بنده در این صورت فکر کردم که به این تقاضای دولت

حتماً لازم باشد که باورقه رأی گرفته نشود ضمناً پیشنهادی هم بامضای ۵ نفر از آقایان دکتر شایگان - دکتر سنجابی - پارسیان - بزرگ زاده رسیده است که با ورقه رأی گرفته شود بهر صورت با این ترتیب رأی باورقه را اعلام میکنم نسبت بناده واحد و اصلاحاتی که قبلاً تصویب شده آقایان است که موافقت دارند ورقه سفید بانام و آقایانیکه مخالفند رأی کبود خواهند داد

(اسامی آقایان نمایندگان به

ترتیب ذیل اعلام و در محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)

- آقایان: رفیع، دکتور فلسفی، بزرگ زاده، مهندس حسینی، دکتور سنجابی، اخگر، تولیت، دکتور شایگان، پارسا، حاج سیدجوادی، انگچی، میلانی، حمیدیه، محمد حسین قشقائی، خسرو قشقائی، دکتور کیان، دکتور معظمی، محمد ذوانفقاری، افشار، امامی اهری، گنجه، کههد، منصف، مجتهدی، افشار صادقی، جلالی، دکتور فخر، موسوی، امیر افشار، مصدقی، قنات آبادی، پورسرتیب، شهیدی، نبوی، جواد عامری، مدرس، خلخالی، وکیل پور، اقبال، دکتور مصباح زاده، ملک مدنی، دکتور طاهری، دادور، شیستری، ذکائی، دکتور بقائی، زهری، مجدزاده، شاپوری، صفائی، شادلو، شوکتی، جلیلی، مهندس غزوی، فرزانه، ریگی، دکتور فقیهی شیرازی، شهاب خسروانی، میراشرافی.

نریمان، کریمی، بهادری، حائری زاده، معتمد دماوندی، نجفی، ناظرزاده، (پس از شماره آراء واستخراج ۵۹ ورقه موافق و یک ورقه مخالف و یک ورقه سفید بی اسم شمرده شد) **نایب رئیس -** آقایان توجه بفرمائید ۶۲ نفر در جلسه حاضر بودیم ۶۶ نفر اسامیشان خوانده شد خود بنده طبق معمول در موقعیکه ریاست جلسه را عهده دار هستم در رأی شرکت نمیکم بنا بر این با ۵۹ نفر موافق لایحه اختیارات آقای دکتر محمد مصدق بتصویب رسید

- اسامی موافقین - آقایان: اقبال، مدرس، دکتور مصباح زاده، ذکائی، شهیدی، دکتور فخر، اخگر، دکتور شایگان، رفیع، دکتور فلسفی، انگچی، جلیلی، وکیل پور، کریمی، دادور، دکتور فقیهی شیرازی، مصدقی، نجفی فردوسی، فرزانه، شیبستری، شاپوری، صفائی (بشرط رعایت اصل دوم متمم قانون اساسی) افشار صادقی، دکتور معظمی، گنجه، حاج سید جوادی، موسوی، امیر افشاری، محمد حسین قشقائی، نبوی، میلانی، محمد ذوانفقاری، دکتور طاهری، مجدزاده، خسرو قشقائی، ناظر زاده، شهاب خسروانی، مهندس حسینی، منصف، شوکتی، فتحعلی افشار، امامی اهری، پارسا، مهندس غروی، شادلو، خلخالی، ملک مدنی، مجتهدی، جلالی، عامری، ریگی، دکتور کیان، پور سرتیب، معتمد دماوندی، مهندس بزرگ زاده، دکتور

سنجابی، نریمان، تولیت ورقه سفید علامت امتناع یک برك مخالف - آقای حمیدیه (با قید این جمله در ورقه رأی خود: بسم الله الرحمن الرحیم برای حفظ مشروطیت و احترام بقانون اساسی بالایحه اختیارات مخالف و با دولت جناب آقای دکتر مصدق موافقم)

نایب رئیس - بنده باین عرض کنم که امید ما و مجلس و ملت ایران این است که از این اختیارات وسیع حداکثر استفاده را برای رفاه و سعادت ملت بفرمائید

نمایندگان - انشاء الله

نایب رئیس - آقای وزیر دارائی فرمایشی دارید بفرمائید

وزیر دارائی - بنده از طرف شخص جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر و از طرف هیئت دولت از احساسات آقایان نمایندگان محترم اظهار تشکر میکنم و باینکه محتاج بتکثیر است اطمینان میدهم که از این اختیاری که آقایان دادند بعد اعلیٰ برفع ملت ایران استفاده خواهد شد (صحیح است انشاء الله)

(۳) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه آینده صبح پنجشنبه ساعت ۹ و ربع صبح دستور مطالبی است که در جریان داشتیم (مجلس ساعت ۹ بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - احمد رضوی